

بیرهن

سال هفتم • شماره ۴۰ • دی ماه ۱۴۰۰

مجله بین الملل خبرگزاری مهر

ماراتن ۸ آذر؛ دوندگی آمریکا و اراده ایران

تبعات کاهش ارزش لیر برای اردوغان
نشست سر نوشت ساز نیفت؛ تو سیم آینده عراق

اهداف تل آویو از نزدیک شدن به روابط
مأموریت خطرناک سفارت آمریکا در بغداد
استغفای فداحی شکستی برای ریاض



بایدن در بن بست وین / عاقبت بازی با همه کارت های روی میز
ترویکا؛ از اتاق مذاکره تا تحریر به بی بی سی

اذعان واشنگتن به بقای نظامی در خاک عراق / خروجی در کار نیست
اقدام انکلیس تأثیری بر مقاومت نخواهد داشت / مقاومت یک حق مشروع است



مجله بین الملل مهر
اسال هفتم | شماره ۴۰
دی ماه ۱۴۰۰



فصل اول

- ۳..... عادی سازی روابط با صهیونیستها باید هر چه سریعتر متوقف شود.....
- ۴..... مقاومت نظامی یک حق برای ملت تحت اشغال است.....
- ۵..... خشم مثلث شیطان آمریکا، انگلیس و اسرائیل از وحدت مقاومت.....
- ۷..... اقدام انگلیس تأثیری بر مقاومت نخواهد داشت / مقاومت یک حق مشروع است.....

فصل دوم

- ۹..... روزهای پرتنهاب در کاخ اردوغان / مدعیان اقتصاد چگونه شکست خوردند؟.....
- ۱۱..... ترکیه از سوی کشورهای غربی تحت فشار است / پیامدهای افزایش نرخ دلار.....

فصل سوم

- ۱۳..... نشست سرنوشت ساز نجف؛ ترسیم آینده عراق.....
- ۱۴..... پشت پرده بازتولید عملیات تروریستی و انفجاری در عراق.....
- ۱۵..... اذعان واشنگتن به بقای نظامی در خاک عراق / خروجی در کار نیست!.....
- ۱۶..... مأموریت خطرناک سفارت آمریکا در بغداد.....

فصل چهارم

- ۱۸..... باج خواهی ریاض از بیروت / استعفا «قرداحی» مشکل را حل خواهد کرد؟.....
- ۲۰..... مشکل ریاض با بیروت فراتر از قرداحی است.....
- ۲۱..... سیاست ریاض بحران سازی در لبنان است / فرصت طلبی فرانسوی ها.....

فصل پنجم

- ۲۳..... اهداف تل آویو از نزدیک شدن به رباط.....

فصل ششم

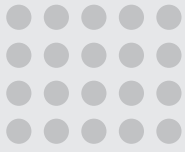
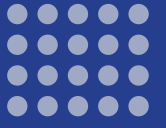
- ۲۶..... ماراتن ۸ آذر؛ دوندگی آمریکا و اراده ایران.....
- ۲۸..... بایدن در بن بست وین / عاقبت بازی با همه کارت های روی میز.....
- ۲۹..... مطالبه ایران برای ضمانت گرفتن از آمریکا بسیار منطقی است.....
- ۳۱..... آمریکا باید تحریم های غیرقانونی بر ضد ایران را برچیند.....
- ۳۳..... مذاکرات وین / ایران یا تروئیکا / دست چه کسی زیر میز است؟.....
- ۳۵..... آمریکا باید برای توافق پایدار با ایران جدی باشد.....
- ۳۶..... تروئیکا؛ از اتاق مذاکره تا تحریریه «بی بی سی».....
- ۳۸..... آمریکا اراده سیاسی جدی برای دستیابی به توافق ندارد.....
- ۴۰..... تهدید یا استفاده از زور به عنوان یک تاکتیک دیپلماسی غیرقانونی است.....



- مدیر مسئول: محمد شجاعیان
- شورای سردبیری: محمد حسین طاهری، مهدی عزیزی
- دبیر تحریریه: سمیه خمارباقی
- همکاران این شماره: سمیه خمارباقی، مریم خرمائی، آذر مهدوان، زهرا میرظفر جویان، رؤیا فریدونی، رامین حسین آبادیان، پیمان یزدانی، مرتضی کریمی، امیر محمد اسماعیلی و محمدرضا الکانی.

شماره تماس: ۰۲۱ ۴۳۰۵۱۰۰۰
آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸
کدپستی: ۱۵۹۹۸۱۴۷۱۳

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



فصل اول



اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس:

عادی سازی روابط با صهیونیستها باید هر چه سریعتر متوقف شود



رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس



شده است و در نهایت موجب تضعیف هم‌پیمانان واشنگتن از جمله رژیم صهیونیستی خواهد شد. وی تأکید کرد: فلسطین دغدغه اصلی کل امت و آزادگان جهان است. امت سه اولویت مهم دارد؛ بالا بردن ارزش و جایگاه قدس و مسجد الاقصی، حمایت از مقاومت در فلسطین و تلاش برای فروپاشی پروژه عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی.

رئیس دفتر سیاسی حماس تصریح کرد: قدس پایه و اساس نزاع با دشمن صهیونیستی است. مقاومت همچنان به آماده سازی و تقویت خود ادامه خواهد داد. مقاومت گزینه راهبردی ما بوده و خواهد بود. هنیه یادآور شد: ما امروز به شدت نیازمند تشکیل جبهه‌ای واحد در کنار تمامی جریان‌های امت علیه دشمن صهیونیستی هستیم. زمان آن رسیده تا تکلیف نزاع تاریخی با دشمن صهیونیستی را یکسره کنیم.

هنیه در ادامه افزود: اولویت اول دفاع از قدس است. اولویت دوم دفاع از مقاومت به عنوان تنها رویکرد ضامن آزادی فلسطین است. امت اسلامی باید عمق این مقاومت باشد تا این درگیری یکسره شود.

اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در حاشیه دوازدهمین اجلاس «پیشگامان بیت المقدس» در استانبول که در ماه آذر برگزار شد، در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: ما معتقدیم که سیاست عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی باید متوقف شود. امت اسلامی نباید اجازه دهند که روند عادی سازی روابط با اشغالگران صهیونیست بیش از این ادامه پیدا کند..

رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس در ادامه سخنان خود گفت: عادی سازی روابط با صهیونیستها باید هر چه سریعتر متوقف شود زیرا این سیاست چیزی شرّ و شرارت نیست. بدیهی است که عادی سازی روابط با صهیونیستها تنها خدمت به تل آویو است..

هنیه عنوان کرد: عادی سازی روابط با صهیونیستها هیبت امت اسلامی را زیر سوال می‌برد و تاریخ آن را نابود می‌سازد. از همین روی، ما از تمامی اقشار امت اسلامی دعوت می‌کنیم تا برای متوقف کردن سیاست عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر صهیونیستی وارد عمل شده و در این زمینه تلاش کنند.

رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس در ادامه اظهاراتش گفت: ما همچنین حکومت‌هایی را که به امضای توافقنامه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی مبادرت ورزیدند به تجدیدنظر در این اقدام دعوت می‌کنیم. این حکومت‌ها باید از لحاظ سیاسی سر عقل آیند.

هنیه پیشتر در مراسم افتتاحیه دوازدهمین اجلاس «پیشگامان بیت المقدس» در استانبول گفته بود: نبرد شمشیر قدس نقطه تحولی مهم در روند مبارزه علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی بود. شمشیر قدس تنها با آزادسازی کل فلسطین و قدس و مسجد الاقصی در غلاف خواهد رفت..

وی افزود: عقب‌نشینی آمریکا از افغانستان مقدمه عقب‌نشینی این کشور از دیگر مناطق



خالد قدومی نماینده جنبش حماس در تهران: مقاومت نظامی یک حق برای ملت تحت اشغال است

«پریتی یاتل» وزیر کشور انگلیس اخیراً تمامیت جنبش حماس را یک سازمان تروریستی اعلام کرد. انگلیس از سال ۲۰۰۱، تنها شاخه نظامی حماس را به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کرده بود اما اکنون شاخه سیاسی این جنبش را نیز به این فهرست اضافه کرده است.

این اقدام انگلیس با واکنش‌های متعددی مواجه شد. در همین ارتباط، جنبش جهاد اسلامی فلسطین با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که ما این تصمیم را در راستای خدمت به اشغالگری می‌دانیم. جبهه مردمی هم با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: انگلیسی‌ها با تروریستی خواندن حماس مشروعیت مقاومت را هدف قرار داده‌اند. جنبش مجاهدین فلسطین نیز بیانیه‌ای را صادر کرد. این جنبش در بیانیه خود آورده است: اقدام انگلیس علیه حماس به مثابه تعرض به ملت و مقاومت فلسطین است. در همین رابطه خبرنگار مهر گفتگویی را با «خالد قدومی» نماینده جنبش حماس در تهران انجام داده است. است. قومی ضمن محکوم کردن اقدام اخیر دولت انگلیس علیه جنبش حماس، تأکید کرد: جنبش حماس نماینده، منتخب و بخش جدایی ناپذیر مردم فلسطین است که از حقوق مشروع آنها حمایت و دفاع می‌کند. درباره تصمیم ظالمانه انگلیس علیه ملت فلسطین و جنبش قهرمان آن یعنی جنبش مقاوم حماس می‌خواهم به اختصار چند نکته بگویم..

نخست، حکومت انگلیس علت اصلی فاجعه انسانی پیش آمده برای ملت فلسطین از زمان اعلامیه شوم بالفور در سال ۱۹۱۷ است؛ آنگاه که فلسطین تحت اشغالگری انگلیس قرار داشت و این اعلامیه از سوی طرفی که هیچ مالکیتی نداشت برای طرف ثالثی که هیچ حقی در این سرزمین مطهر نداشت، صادر شد. متأسفانه تصمیم اخیر انگلیس، تجدید و احیای دیدگاه استعماری در جهان کنونی است که در آن دم از مذاکره و گفتگوی تمدن‌ها می‌زند ولی در عین حال دولت استکباری انگلیس تلاش می‌کند بار دیگر اعلامیه عصر حجر، ظالمانه، مجرمانه و استعماری خود را احیا و این رژیم ظالم و جنایتکار را تثبیت کند..

دوم، دولت فعلی انگلیس و به ویژه وزیر کشور آن، پیشینه موضع گیری‌های سیاسی دارند و شرم و هراسی ندارند که اعلام کنند این تصمیم، سیاسی بوده است. رئیس کمیته دفاع پارلمان انگلیس هم در این خصوص گفت جنبش حماس باید وارد برنامه سیاسی شود. از این رو تصمیم اخیر لندن، صرف نظر از اینکه حماس جنبشی تروریستی هست یا خیر، یک تصمیم سیاسی است و داستان دیگری دارد. این یک تصمیم سیاسی است و ارتباطی به این ندارد که جنبش حماس جنبشی دموکراتیک، منتخب و نماینده اکثریت آرای ملت فلسطین است و در جهان عرب و اسلام حامیانی دارد. جنبش حماس گروه مقاومتی است که بر اساس ادیان آسمانی و قوانین انسانی فعالیت می‌کند و با اشغالگران مقابله می‌کند. این تصمیم، باج خواهی سیاسی است و هیچ ارتباطی با منشور و رویکرد حماس ندارد..

مسئله سوم، این تصمیم در چارچوب اعمال فشار بر ملت فلسطین و در راستای مجازات دسته جمعی این ملت اتخاذ شده است که جنبش حماس را نماینده خود می‌دانند. ما به عنوان گروه‌های فلسطینی، وزارت خارجه فلسطین، جنبش حماس، جهاد اسلامی و همه گروه‌های مبارز فلسطینی با اطمینان اعلام می‌کنیم این تصمیم را نمی‌پذیریم و آن را محکوم می‌کنیم زیرا حماس یک جنبش مشروع، ملی و بخش جدایی ناپذیر از ملت فلسطین بوده و جنبشی است که در مسیر مبارزاتی ملت فلسطین پیشگام است. این تصمیم، دیکته خواسته‌ها و تمایلات اسرائیل است. شاهد مدعا هم این است که نفتالی بنت، نخست وزیر راستگرای افراطی این رژیم از این تصمیم مجرمانه استقبال کرد. قیومی ادامه داد: موضوع دیگری که می‌خواهم مطرح کنم این است که آیا دولت کنونی انگلیس عملاً خواهان برقراری امنیت و ثبات جهانی است؟ اگر چنین است چرا به صادرات سلاح برای رژیم صهیونیستی و فروش سلاح به این رژیم و حمایت نظامی از آن برای کشتار فرزندان، جوانان و کودکان ما ادامه می‌دهد؟

مسئله دیگر، آیا دموکراسی فقط برای آنها جایز است و برای ما نیست؟ آیا جنبشی که در چارچوب دموکراتیک پیروز شده است را می‌توان تروریست دانست؟ برعکس، جنبش حماس نمونه متکاملی از مقاومت را با ادغام مقاومت سیاسی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و ستون فقرات همه اینها یعنی مقاومت نظامی ارائه داده است. مقاومت نظامی، حق است زیرا فلسطین کشوری است که تحت اشغال رژیم صهیونیستی است و ملتش حق مقاومت دارند..

وی تصریح کرد: این وزیر انگلیسی از چه تروریسمی سخن می‌گوید و جنبشی مثل حماس را به چه تروریسمی متهم می‌کند؟ دولت کنونی انگلیس نباید با این تصمیم موافقت کند، بلکه مطلوب این است که به حمایت از رژیم اشغالگر صهیونیستی ادامه ندهد و دیکته‌های این رژیم را نپذیرد. از این رو باید دید مجلس عوام انگلیس روز جمعه چه تصمیمی می‌گیرد و آیا در کنار قربانی یعنی ملت فلسطین می‌ایستد یا در کنار جلاد یعنی رژیم صهیونیستی؟

نماینده حماس در تهران در پایان سخنانش گفت: باید دید آیا موضع تاریخی و منفور دولت انگلیس که باعث فاجعه انسانی در فلسطین شده است، امروز با صدور اعلامیه بالفور جدید از سوی دولت کنونی انگلیس که آشکارا از رژیم صهیونیستی جانبداری می‌کند، تکرار می‌شود؟ ما امروز در جهانی هستیم که در آن گفتگوی تمدن‌ها مطرح است و از حقوق و مرجعیت‌ها سخن گفته می‌شود. اگر سازمان ملل از تصمیم اخیر انگلیس اعلام نارضایتی کرده و گفته است این تصمیم در روند ارتباط ما با ملت فلسطین و اقشار مختلف آن تغییری ایجاد نمی‌کند، پس دولت استعماری و مجرم انگلیس در این تصمیم خود و حمایت از رژیم مجرم صهیونیستی به چه مرجعی استناد می‌کند؟





نورالدین شبیرین مدیر شبکه تلویزیونی «قدس» ترکیه:

خشم مثلث شیطانی آمریکا، انگلیس و اسرائیل از وحدت مقاومت در منطقه

رؤیا فریدونی: دولت انگلیس در ادامه سیاست‌های ضد فلسطینی و حمایت از رژیم صهیونیستی، شاخه سیاسی جنبش حماس را نیز تروریستی اعلام کرد. اعلام ممنوعیت و تحریم کامل جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در انگلستان توسط «پرتی پاتل» وزیر کشور انگلیس موجی از واکنش‌های داخلی و خارجی را به همراه داشت.

به نظر می‌رسد که افزایش فعالیت‌های ضد اسرائیلی و فشار افکار عمومی در انگلستان، دولت لندن را مجبور به چنین اقدامی کرده است. عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را نیز می‌توان مهم‌ترین مشوق انگلیس برای اتخاذ این تصمیم انگلیس علیه حماس دانست.

* نقش انگلیس در شکل گیری و حمایت از رژیم صهیونیستی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اقدام اخیر انگلیس در تروریستی خواندن جنبش مقاومت اسلامی «حماس» از ماهیت دولت منحوس انگلیس نشأت می‌گیرد. چرا که خود انگلیس بود که راه را برای تشکیل رژیم صهیونیستی اسرائیل در فلسطین هموار کرد و پایه‌های آن را بنا نهاد. بنابراین، حفظ رژیم صهیونیستی و تضمین آینده آن از مسائل اساسی انگلیس است. این رژیم صهیونیستی درخت شری است که انگلیس آن را در فلسطین، قلب جهان اسلام کاشته است.

قبل و بعد از جنگ جهانی اول، بزرگترین هدف انگلیس همواره خارج کردن فلسطین از حاکمیت اسلام بوده است. زیرا ماندن فلسطین در حاکمیت اسلام نشانه شکست نیروهای صلیبی بود. این امر همچنین پیروزی اسلام در مقابل امپریالیسم صلیبی را نشان می‌داد. بنابراین، هر جا که منافع و امنیت رژیم صهیونیستی باشد انگلیس نیز در آنجا حضور دارد. همه نیروها و جنبش‌هایی که علیه رژیم صهیونیستی مبارزه می‌کنند و تهدیدی برای آینده و امنیت رژیم صهیونیستی هستند برای انگلیس نیز دشمن به شمار می‌روند.

* به نظر می‌رسد انگلیس به دلیل افزایش روز افزون حمایت مردمی

در انگلیس از آرمان فلسطین (به ویژه برپایی تظاهرات ضد اسرائیلی در لندن و دیگر شهرهای این کشور در جریان جنگ اخیر غزه) به چنین اقدامی دست زده است. نظر شما در این باره چیست؟
انگلیس با این اقدام شیطانی به دنبال این است که انتقام جنگ پیروزمندانه مقاومت فلسطین موسوم به نبرد «شمشیر قدس» که منجر به شکست رژیم صهیونیستی شد را بگیرد چرا که این جنگ یکی از بزرگترین کابوس‌های تاریخ صهیونیست‌ها را رقم زد و آنها را در مقابل چشم جهانیان خوار و ذلیل کرد. بی شک حماس در این پیروزی بزرگ نقش بسزایی داشت و انگلیس نیز همچون صهیونیست‌ها از شدت این جراحات وارده رنج می‌برد.

از سوی دیگر تنها راه استراتژیک برای احقاق حقوق فلسطینیان، جهاد و مقاومت است که در بین مردم فلسطین به یک ترجیح عمومی تبدیل شده است و شاهد این هستیم که مردم فلسطین در کنار جبهه مقاومت قرار دارند. مردم فلسطین و جبهه مقاومت مکمل یکدیگر هستند، در نتیجه تمامی پروژه‌های امپریالیستی به شکست می‌انجامد. اقداماتی که در راستای تضمین آینده رژیم صهیونیستی و تقویت این پایگاه امپریالیسم غربی انجام می‌شود نیز با شکست مواجه است.





مقاومت است.

***یک سال از بحث عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی می گذرد؛ در این مدت نه تنها حقوق مردم فلسطین احقاق نشده بلکه اقدامات ضد فلسطینی رژیم صهیونیستی نیز تشدید شده است. نظر شما در این باره چیست؟**

امپریالیسم و همدستانش برای بقای رژیم صهیونیستی آخرین برگ برنده خود را می کشند. طرح های موسوم به «معامله قرن» و «عادی سازی روابط» به عنوان حلقه نجات رژیم صهیونیستی تلقی می شوند که عربستان سعودی، بحرین، امارات نیز آخرین بازیگران این روند بودند. در واقع این «پل عادی سازی روابط» که برخی کشورها با رژیم صهیونیستی ایجاد کرده اند به مثابه «پلی برای در حیات ماندن» خودشان است. همانطور که رژیم صهیونیستی برای حفظ بقای خود به «صهیونیست های عرب» تکیه کرد اکنون این کشورهای خیانتکار برای حفظ بقای خود در حال تکیه کردن به رژیم صهیونیستی هستند. نزدیکی رژیم صهیونیستی و این کشورها به هم به دلیل این است که همگی در یک قایق هستند و غرق شدن آنها نیز باهم اتفاق می افتد. در نتیجه پیروزی های تاریخی جبهه مقاومت در مقابل پروژه های امپریالیستی و صهیونیستی می بینیم که این قایق چگونه در حال غرق شدن است.

*** نفوذ لابی صهیونیست در اقدام دولت انگلیس در تروریستی معرفی کردن حماس را چگونه ارزیابی می کنید؟**

لابی صهیونیستی تاثیر چشمگیری در اتخاذ این تصمیم انگلیس داشت. چرا که این لابی در طول تاریخ همچون خونی در رگ های انگلیس جریان داشته است. از سوی دیگر لابی های «غیر صهیونیست» که در خوی وحشیگری چیزی کم از صهیونیست ها ندارند نیز در این تصمیم انگلیس مؤثر هستند. در رأس این لابی ها «صهیونیست های عرب» قرار دارند. اصطلاح «صهیونیست های عرب» یک اصطلاح فلسطینی است. همه رژیم ها، پادشاهان و عناصر عربی که با رژیم صهیونیستی همکاری می کنند و از پشت به مردم فلسطین و آرمان آنها خنجر می زنند، «صهیونیست های عرب» نام دارند. در رأس این ها عربستان سعودی قرار دارد. در واقع این انگلیس بود که رژیم وهابی به نام «عربستان سعودی» را در حجاز آشکار کرد. یهودیان در فلسطین و سعودی ها در حجاز، برادران دوقلو هستند. بنابراین «صهیونیست های عرب» در تمامی تصمیمات و اقداماتی که انگلیس و آمریکا برای امنیت رژیم صهیونیستی انجام می دهند، جایگاه و سهم ویژه ای دارند.

***حماس از جنبش های تأثیرگذار در شکست پروژه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است؛ به نظر شما اتخاذ این تصمیم از سوی دولت انگلیس تأثیری بر پویایی این جنبش در حفظ آرمان فلسطین خواهد داشت؟**

خیانت های موسوم به «معامله قرن» و «عادی سازی روابط» که به رهبری شیطان بزرگ آمریکا انجام شد در مقابل مشت های پولادین جبهه مقاومت با شکست مواجه شده است. طرح ها و پروژه های تدارک دیده شده توسط مثلث شیطانی آمریکا- انگلیس- اسرائیل در کل جغرافیای ما از یمن گرفته تا فلسطین، از سوریه گرفته تا لبنان در مقابل مقاومت درهم شکسته شده است.

هدف انگلیس از چنین اقدامی این است که پس از همه این پیروزی ها به اراده پولادین جبهه مقاومت ضربه بزند زیرا همانطور که همه جنبش های مقاومت در غزه در «اتاق عملیات مشترک» هستند این «اتاق عملیات مشترک» در غزه نیز با نیروهای مقاومت لبنان، یمن، عراق و سوریه هماهنگی و همبستگی دارد. یکی از دلایل ترس و خشم امپریالیسم غرب، رژیم صهیونیستی و شرکای جنایات آنها همین اراده و وحدت محور





اسماعیل رضوان یکی از رهبران حماس: اقدام انگلیس تأثیری بر مقاومت نخواهد داشت/ مقاومت یک حق مشروع است



البريم تصريح کرد: ما ملتی هستیم که علیه رژیم اشغالگر مقاومت می‌کنیم و این اشتباه بزرگ انگلیس علیه ملت و مقاومت فلسطین را تصحیح خواهیم کرد، از این رو بهتر است انگلیس فوراً از این تصمیم صرف نظر کند.

این عضو ارشد گروه‌های مقاومت فلسطین خاطرنشان کرد: جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» به عنوان یک گروه مقاومت فلسطینی و بخش اصیل ملت فلسطین به مقاومت خود ادامه می‌دهد و هیچ کسی نمی‌تواند حق ما را برای مقاومت و ضربه زدن به این دشمن تا بیرون راندنش از سرزمین مان ضایع کند.

ياسر خلف سخنگوی جنبش «الاحرار» فلسطین:

ما در جنبش الاحرار این تصمیم انگلیس را علیه جنبش مقاومت فلسطین «حماس» محکوم می‌کنیم و آن را تداوم تجاوز وحشیانه علیه مردم فلسطین و حق آنها برای مقابله با اشغالگری و جانبداری آشکار از رژیم اشغالگر صهیونیستی می‌دانیم.

وی تأکید کرد: این تصمیم انگلیس، اشتها و جسارت رژیم اشغالگر را برای ادامه تجاوز و جرایمش علیه فرزندان ملت فلسطین بیشتر می‌کند.

اسماعیل رضوان یکی از رهبران جنبش حماس نیز درباره اقدام اخیر انگلیس گفت: ما تصمیم ظالمانه انگلیس علیه جنبش حماس و مقاومت فلسطین را محکوم می‌کنیم و آن را اعلام جانبداری کامل از رژیم اشغالگر صهیونیستی می‌دانیم. این تصمیم باطل بوده و طبق قوانین بین المللی، مقاومت در سرزمین فلسطین، مشروع و قانونی است.

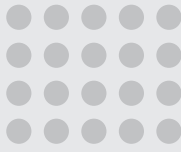
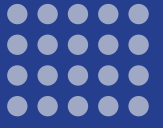
وی افزود: اقدام اخیر انگلیسی‌ها علیه جنبش مقاومت اسلامی حماس عجیب و غریب نیست و در امتداد سلسله سیاست‌های خصمانه و خبیثانه لندن علیه سرزمین فلسطین و مقاومت آن، انجام شده است. آنچه که دولتمردان انگلیسی آن را فراموش کرده‌اند، این است که جنبش مقاومت اسلامی حماس یک گروه سیاسی و مقاومتی مشروع در اراضی فلسطین محسوب می‌شود. هر چند که در طول سالیان متمادی تلاش‌های گسترده‌ای برای سلب مشروعیت از این جنبش انجام شده است، اما باید گفت که حماس در سال ۲۰۰۰ میلادی از طریق یک انتخابات دموکراتیک روی کار آمد؛ انتخاباتی که بر اساس مؤلفه‌های مد نظر خود اروپایی‌ها برگزار شد.

نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد، این است که مقاومت حماس یک حق مشروع بین المللی است. کنوانسیون ژنو و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد جملگی بر لزوم مقاومت در برابر ظلم و تجاوز طرف خارجی تأکید کرده‌اند. جنبش مقاومت اسلامی حماس نیز هیچگاه از سلاح خود جز در برابر تجاوزها و تعرضات بیگانگان بهره برداری نکرده است.

رضوان خاطرنشان کرد: اقدام انگلیس تأثیری بر مقاومت نخواهد داشت و ما به مقاومت خود تا نابودی کامل رژیم اشغالگر در سراسر سرزمین فلسطین ادامه خواهیم داد.

محمد البريم از مسئولان کمیته‌های مقاومت مردمی فلسطین:

جنبش مقاومت اسلامی همه قوانین و منشورهای بین المللی را مراعات کرده است. انگلیس مرتکب اشتباهات و گناهان بزرگی علیه ملت فلسطین شده است. این کشور با صدور اعلامیه بالفور سرزمین ما را به صهیونیست‌ها بخشید و این بار نیز با قرار دادن حماس در فهرست سازمان‌های تروریستی اشتباهاتش را تکرار کرد.



فصل دوم



روزهای پرتهاپ در کاخ اردوغان

مدعیان اقتصاد چگونه شکست خوردند؟

دلار در مسیر کودتا و تنش راهب آمریکایی

هر چند ترکیه با اتخاذ برخی تمهیدات توانست همانند دیگر کشورها از بحران ۲۰۰۸ عبور کند، اما ترکیه این بار تحت تأثیر برخی تحولات سیاسی از جمله حملات انتحاری در سال ۲۰۱۶ و رویداد کودتای ناکام در همان مقطع شکست اقتصادی دیگری را تجربه کرد. این تحولات موجب کاهش اعتبار امنیتی و در نتیجه ضربه به صنعت گردشگری کشور شد.

در آن دوره ۱۳ درصد از تولید سالانه ناخالص ملی کشور وامدار بخش صنعت توریسم این کشور بود، اما تحولات سال ۲۰۱۶ در آمد ناشی از صنعت گردشگری کشور را حدود ۴۰ درصد کاهش داد. این کاهش متعاقباً در آمار بیکاری و کساد بازار تأثیری مستقیم گذاشت، اما این روند محدود به تحولات کودتا نشد و تنش اقتصادی ترکیه با دستگیری کشیش آمریکایی «جانسون برانسون» به اوج خود رسید. راهب برانسون در سال ۲۰۱۶ به اتهام دست داشتن در کودتای نافرجام ترکیه توسط دولت این کشور دستگیر شد. در سال ۲۰۱۷ دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا درخواست آزادی او را داد، اما ترکیه به این درخواست پاسخ مثبتی نداد.

اردوغان برای آزادی راهب برانسون شرط استرداد فتح الله گولن عامل کودتای ۲۰۱۶ را به آمریکا داد. آمریکا نه تنها با این شرط موافقت نکرد، بلکه هشدار تحریم را به ترکیه داد. مباحثه تند و تیز میان مقامات ترکیه و آمریکا که می توان به عنوان رجز خوانی سیاسی تفسیر کرد موجب التهاب قیمت دلار در ترکیه شده بود، به طوری که در سال ۲۰۱۸ قیمت هر یک دلار در ترکیه از کانال ۴ لیر ترک عبور کرد و با افزایش قیمت ۷.۲۱ روبرو شد. در آن زمان اردوغان در سخنانی از مردم خواست تا برای مقابله با روند نزولی ارزش اندوخته ارزهای خارجی خود را به لیر و طلا تبدیل کنند تا از این راه به تقویت ارزش پول ملی کمک کرده باشند.

حتی اردوغان در سخنانی گفت: «آنها کسی که ارزش خارجی لیر بالشان دارند، بیایند و آن را به طلا و لیر تبدیل کنند. بگذارید لیر و طلا ارزششان بیشتر شود».

اگر چه این درخواست اردوغان با اقبال مردم مواجه می شود، اما تأثیر حمایت مردم برای مقابله با روند نزولی ارزش لیر ترکیه بیش از چند روز به طول نمی انجامد؛ کاهش ۳ درصدی رشد اقتصادی از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ عملاً شرایط ترکیه را در لبه پرتگاه قرار داد. همین باعث شد ترکیه این بار در مقابل فشار آمریکا سر خم کند و پس از ۳ سال و یک ماه و ۱۵ روز حکم آزادی راهب آمریکایی را صادر کند تا شاید کشور از فشارهای اقتصادی رهایی پیدا کند.

آذر مهدوان: «ما کتاب اقتصاد را نوشته ایم» این ادعای حزب عدالت و توسعه ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان است که با هدف تعریف از مدیریت اقتصادی خود آن را مطرح کردند و حالا برای اولین بار در باز زمانی ۱۰ روزه قیمت دلار در ترکیه دو رقمی شده است. گویا دو رقمی بودن دلار در ترکیه خط قرمزی برای این کشور است و شهروندان آن را به مثابه شکست دولت در درایت اقتصادی می دانند.

این روزها قیمت هر یک دلار در ترکیه حدود ۱۷ لیر است که علیرغم اعتراضات مردمی، دولت اردوغان در برابر وضع موجود خود را ملزم به هیچ توضیحی نمی داند.

اما قبل از پرداختن به نتیجه بحران اقتصادی ترکیه در حیات سیاسی دولت کنونی این کشور بهتر است به روند اقتصادی ۲۰ ساله ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه بپردازیم.

فراز و نشیب های اقتصاد ترکیه در دوره حاکمیت اردوغان کش و قوس های فراوانی داشته است. زمانی که اردوغان و حزب متبوع او بر سر کار آمدند، اقتصاد ترکیه حال و روز خوبی نداشت.

هم اکنون سال ۲۰۰۱ به عنوان سال بحران اقتصادی کشور یاد می شود. در آن دوران اقتصاد ترکیه با رویدادهایی که در نشست شورای امنیت ملی در ۱۹ فوریه ۲۰۰۱ رخ داد متلاشی شد، مباحثه سیاسی بین «احمد نجدت

سزر» رئیس جمهور و «بولنت اجویت» نخست وزیر وقف ترکیه کافی بود تا کشور در یک شب به هم بریزد؛ پس از این بحران بود که اردوغان و حزبش با وعده های اقتصادی توانستند بر مسند قدرت بنشینند. ایجاد

شرایط خصوصی سازی در نهادهای اقتصادی، باز کردن درهای کشور برای سرمایه گذاران خارجی که موجب ورود نقدینگی به کشور شد، پایان دادن به بدهی کشور مقابل صندوق بین المللی پول تا سال ۲۰۱۳، توسعه در

بخش های ساختمان سازی و تک رقمی کردن نرخ تورم موجب بهبود شرایط اقتصادی کشور شد. البته پس از ثبت تورم تک رقمی ۸.۱۹ درصدی در سال ۲۰۰۴ بانک مرکزی فضا را برای حذف صفر مناسب دید و در سال

۲۰۰۵ معادل ۶ صفر از لیر ترکیه حذف شد. در آن زمان اردوغان گفته بود «از شر صفرهای اسکناسمان خلاص شدیم! خوشحالیم که اعتبار را به لیر بازگردانیم».

حتی صندوق بین المللی پول در گزارشی که بعدها در خصوص اقدام ترکیه منتشر کرد، تجربه ترکیه در حذف صفر از پول را تجربه ای موفق خواند. اگر چه اصلاحات اقتصادی دولت ترکیه موجب افزایش محبوبیت

اردوغان در جامعه شد، اما این موفقیت های اقتصادی دیری نپایید که ترکیه را دوباره با بحران های اقتصادی دیگر مواجه کرد. بحران مالی ۲۰۰۸ بدترین فاجعه اقتصادی بود که پس از رکود سال ۱۹۲۹ گریبان

گیر جهان شد و ترکیه نیز از این بحران بی نصیب نماند به طوری که اقتصاد این کشور تورم ۲ رقمی معادل ۱۱.۷ را تجربه کرد.



موج بحران جدید در اقتصاد ترکیه

ترکیه در آن مقطع تا حدودی توانست خود را از بحران اقتصادی نجات دهد اما در روزهای جاری دولت دوباره با مساله کاهش ارزش لیر در کشور مواجه شده است. افزایش قیمت دلار در عرض چند روز به چند دلیل برمی گردد، اولین دلیل به تصمیم بانک مرکزی ترکیه در خصوص کاهش دوباره نرخ بهره باز می گردد که بازار مالی این کشور را به لرزه درآورده است و لیر ترکیه که از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۲۵ درصد ارزش خود را مقابل دلار را از دست داده، کماکان روی مدار نزولی است. دومین دلیل سایه تیره و تار در روابط واشنگتن و آنکارا و تأثیرات اقتصادی آن بر کشور ترکیه است؛ ادامه تنش در روند خرید سامانه های موشکی اس - ۴۰۰ میان واشنگتن و آنکارا، تهدیدات و اقدامات دولت آمریکا در خصوص اعمال برخی تحریم ها علیه ترکیه موضوعی است که با وجود تلاش مقامات ترکیه اما همچنان لاینحل مانده است.

از طرفی سخنان اخیر اردوغان در خصوص انجام برخی عملیات در خاک سوریه از دلایلی است که در بازار ترکیه تأثیر داشته است. بسیاری از کارشناسان و مقامات دیگر احزاب معتقدند اردوغان این روزها با مطرح کردن برخی سخنان تند موجب افزایش قیمت دلار در ترکیه شده است. برای نمونه سخن اردوغان با این محتوای که «رقابت در نرخ ارز منجر به افزایش سرمایه گذاری، تولید و اشتغال می شود» دوباره در افزایش قیمت دلار تأثیر گذاشته است، کما اینکه تحولات اخیر در مدیترانه شرقی و جبهه گیری کشورهای پیرامون این دریا مقابل ترکیه، تأثیراتی در اقتصاد کشور داشته است.

ضمن اینکه تصمیم روز گذشته دادگاه ترکیه در خصوص «عثمان کاوالا» خیر ترکیه ای برای ادامه روند حبس او موجب افزایش قیمت دلار از کانال ۱۲ به ۱۲۶۷ لیر شده است. ماه پیش، بعد از اینکه برخی از کشورها مدعی شده بودند که کاوالا باید آزاد شود، اردوغان تهدید کرد که سفیران ۱۰ کشور از جمله آمریکا، آلمان، فرانسه را اخراج خواهد کرد. حالا احتمال می رود تصمیم دولت آنکارا در خصوص کاوالا اختلافات ترکیه و غرب ادامه دار کند.

درخواست برای انتخابات فوری

اگر چه اخیراً در نشست شورای عالی امنیت ملی که به ریاست اردوغان برگزار شده بود وضعیت کشور در زمینه هایی همانند تولید و صادرات، مطلوب وصف شد و دولت بر این موضوع پافشاری می کند که اهداف سند چشم انداز ۲۰۲۳ به زودی محقق خواهد شد، اما آنچه در اعتراضات خیابانی مردم از جمله در استانبول و آنکارا مشاهده می کنیم نشان می دهد دولت مسیر سختی در محقق ساختن درخواست های اجتماعی دارد. از طرفی تحولات اقتصادی اخیر بهترین فرصت را دست اپوزیسیون ها داده است تا با انتقادهای تند و تیز خود دولت آنکارا را زیر سوال ببرند. البته سردمدار این منتقدان «کمال قلیچدار اوغلو» رهبر حزب جمهوری خواه ترکیه است. تلاش های او برای از میدان به در کردن اردوغان همچنان با جدیت بسیار دنبال می شود. قلیچدار اوغلو هر بار در هر تصمیم اشتباه دولت بر حزب عدالت و توسعه می تازد و این حزب را لایق زمامداری حکومت کشور نمی داند. رهبر حزب جمهوری خواه خلق بارها بر لزوم برگزاری انتخابات زود هنگام تأکید کرده است و حالا با افزایش قیمت دلار با قاطعیت بیشتری بر طبل برگزاری انتخابات پیش از موعد می کوبد، او اخیراً گفته است که بی کفایتی اردوغان در کنار تصمیمات دور از منطق اقتصادی و استفاده از بروکرات های بی لیاقت، مجموعاً شرایطی را به وجود آورده که کشور را به سوی آشوب و تباهی می برد. اگر به خود اعتماد دارند و از پایگاه اجتماعی شأن اطمینان دارند، همین الان صندوق های رأی را بیاورند و به چشم خود ببینند که مردم ترکیه چه آسان آنها را برای همیشه کنار خواهند گذاشت!

«مرال آکشر» رهبر حزب «خوب» و متحد چند ساله قلیچدار اوغلو نیز در سخنانی با طعنه به رئیس جمهور ترکیه گفت: اردوغان با استعداد ذاتی خود کشور را ویران کرد. مرز باریکی بین بی کفایتی و خیانت وجود دارد. برای اردوغان در دوران بازنشستگی آرزوی موفقیت دارم. پادشاهای وحشتناک در راهروهای کاخ «بشپته» شروع به وزیدن کرده است.

«ووغور دوندار» از روزنامه نگاران مطرح ترکیه ای نیز در یادداشتی با اشاره به شرایط اقتصادی و بی تفاوتی سیاستگذاران نسبت حل بحران می نویسد: «اقتصاد را آتش گرفته است و به جای خاموش کردن روی این آتش بنزین ریخته و آن را شعله ورتر می کنند. او (اردوغان) هر بار که در مورد اقتصاد صحبت می کند قیمت دلار بالا می رود. راه حل این مشکل برگزاری انتخابات زود هنگام نیست بلکه انتخابات فوری است.»

تبعات کاهش ارزش لیر برای اردوغان

تجارب تاریخی ثابت کرده است که در هر کشوری هر چقدر هم خفقان سیاسی باشد شاید مردم واکنش قاطعی به این موضوع نشان ندهند، اما زمانی که شرایط اقتصادی کشور با وجود حاکمیت دموکراسی مطلوب نباشد مردم را روانه کوچه و خیابان و سردادن شعارهایی علیه دولت آن کشور می کند. بعد از ماجرای «جنبش پارک گزی» در سال ۲۰۱۳ ما در ترکیه شاهد اعتراضات جدی نبوده ایم. نارضایتی مردم ترکیه هم در شهرهای مختلف این کشور و هم در شبکه های اجتماعی با هشتگ هایی مانند «اردوغان استعفا» با صدای بلندی به گوشمان می رسد و در اعتراضات اخیر حدود ۷۰ نفر دستگیر شده اند که این موضوع نشان می دهد محبوبیت اردوغان و کابینه او افت چشمگیری داشته است. دولت اردوغان تنها دولتی است که در تاریخچه صد ساله تأسیس جمهوری ترکیه توانسته به طور طولانی مدت در رأس سیاست کشور بماند، اما نظرسنجی های اخیر که از سوی شرکت های معتبر ترکیه ارائه می شود نشان می دهد قدرت رئیس جمهور ترکیه که به عنوان «رژیم تک نفره» نیز یاد می شود با چالش های مهمی مواجه است و اگر او در انتخابات آتی ریاست جمهوری شکست بخورد تعجب نخواهیم کرد. همانطور که شبیه این شکست در انتخابات شهرداری ها در سال ۲۰۱۸ رخ داد و اپوزیسیون ها توانستند شهر استانبول که به عنوان قلعه نوحثانی گری اردوغان شناخته می شد را از چنگش در بیاورند. حالا مردم ترکیه نگران تکرار تجربه تلخ بحران اقتصادی ۲۰۰۱ ترکیه هستند، اما باید دید گام بعدی اردوغان برای عبور از این بحران چه خواهد بود؟!



شوکت آپوهان کارشناس ترکیه‌ای: ترکیه از سوی کشورهای غربی تحت فشار است پیامدهای افزایش نرخ دلار



شرقی و سیاست مبارزه با تروریسم در جنوب کشور در روابط اقتصادی نیز تأثیر گذاشته است. با این حال وضعیت بحران ارزی موجود را تنها با این دلایل نمی‌توان توضیح داد. عوامل زیاد دیگری نیز نقش دارند.

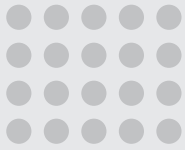
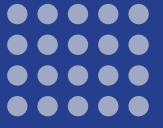
*** برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند که با افزایش ارز، مالیات نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، برخی دیگر از اقتصاددانان بر این باورند که بحران اقتصادی سال ۲۰۰۱ تکرار خواهد شد. تبعات افزایش نرخ ارز چیست؟**

عوامل مختلفی هستند که ترکیه را در مسیر بحران سال ۲۰۰۱ قرار نمی‌دهد. به عنوان مثال، سیستم بانکی ما در مقایسه با سال ۲۰۰۱ بسیار قوی است. با این حال، بدیهی است که افزایش نرخ دلار ترکیه را در وضعیت دشواری قرار خواهد داد. انتظار می‌رود که دولت برای مردم بسته‌های حمایتی در نظر گرفته و وام‌های جدیدی به تولیدکنندگان ارائه کند. به عبارت دیگر، دولت بخش قابل توجهی از هزینه‌های افزایش نرخ دلار را بر عهده خواهد گرفت. به نظرم فصل زمستان امسال برای تمام دنیا سخت خواهد بود اما برای ترکیه که در جمع ۲۰ اقتصاد برتر جهانی قرار دارد همیشه راه حلی وجود دارد. من فکر می‌کنم ترکیه با وجود همه مشکلات برای بحران موجود راه حلی پیدا خواهد کرد.

مر ترضی کریمی: بانک مرکزی ترکیه اخیراً نرخ سود بانکی را به ۱۵ درصد کاهش داد و پس از اعلام این خبر ارزش لیر سیر نزولی به خود گرفت و با سخنان روز دوشنبه رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه تشدید شد. سقوط ارزش لیر در روز سه‌شنبه شدیدترین مورد از افت ارزش پول ملی این کشور از سال ۲۰۱۸ بود. پس از این تحولات تعدادی از شهروندان در شهرهای آنکارا، استانبول و برخی دیگر از شهرهای ترکیه به خیابان‌ها آمدند و شعارهایی را علیه حزب عدالت و توسعه سر دادند. خبرنگار مهر درباره نوسانات ارزی ترکیه و عوامل تأثیرگذار در آن، گفتگویی را با شوکت آپوهان، کارشناس مسائل اقتصادی ترکیه انجام داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد.

*** ترکیه برای افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال در این کشور سیاست نرخ ارز رقابتی را دنبال می‌کند. با این حال این روزها مشاهده می‌شود که نرخ برابری لیر ترکیه در مقابل یورو و دلار به پایین‌ترین سطح تاریخی خود رسیده است. به نظر شما کدام سیاست اقتصادی آنکارا در بحران ارزی موجود نقش دارد؟** نکته‌ای که نایست از آن غافل شد این است که همه بانک‌های مرکزی با سیستم لیرال وارد روند افزایش نرخ سود شده‌اند. تورم در سراسر جهان بخصوص در اروپا و آمریکا هم در حال افزایش است. بدون تردید این موضوع ترکیه را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روزها ترکیه با باندهای مالی بین‌المللی که بخاطر بهره به دولت فشار وارد می‌کنند وارد کشمکش شده است. تنها مسئله مهم این است که آیا ما برای این نزاع آماده هستیم یا خیر. در کنار این موضوع نرخ واقعی دلار حوالی ۱۴ لیر بود. با شروع کشمکش بین باندها و دولت، دلار به سمت رقم واقعی خود حرکت کرد. اما مسئله اصلی این است که آیا دوره کشمکش ارزی بود و برای این موضوع آمادگی داشتیم یا نه؟ مگر نه ایده کاهش نرخ سود تصمیم درستی بوده است.

*** تحولات جهانی به ویژه بحران‌های مربوط به روابط ترکیه-اتحادیه اروپا و آنکارا-واشینگتن چقدر بر نرخ دلار تأثیر دارد؟** بدون شک بحران‌های ترکیه با اتحادیه اروپا و آمریکا در وضع موجود اقتصادی تأثیرگذار است. ترکیه همواره از سوی کشورهای غربی تحت فشار است. حضور ترکیه در مدیترانه



فصل سوم



نشست مهم و سرنوشت ساز نجف؛ نشست سرنوشت ساز نجف؛ ترسیم آینده عراق

رامین حسین آبادیان: رهبران احزاب و جریان های هیأت هماهنگی شیعیان عراق فردا سه شنبه نشست مهمی را با حضور «مقتدی صدر» در شهر «نجف» برگزار می کنند؛ نشستی که انتظار می رود طی آن نقشه سیاسی آینده عراق ترسیم شود. این در حالی است که روز پنجشنبه هفته گذشته اولین نشست مشترک میان هیأت هماهنگی شیعیان با حضور مقتدی صدر در منزل «هادی العامری» برگزار شد.

در جریان نشست مذکور، «نوری المالکی» رهبر ائتلاف دولت قانون، «شیخ قیس الخزعلی» دبیر کل جنبش «عصائب اهل الحق»، «فالح الفیاض» رئیس سازمان حشد شعبی و «سید عمار حکیم» رهبر جریان حکمت ملی در منزل هادی العامری حضور یافتند. هیأت هماهنگی شیعیان پس از پایان این نشست بیانیه ای را صادر کرد. در این بیانیه تأکید شد: «در نشست با مقتدی صدر توافق شد که گام های عملی لازم برای مبارزه با فساد برداشته شود». این هیأت همچنین عنوان کرد: «شرکت کنندگان در نشست مشترک مذکور بر لزوم خروج نیروهای بیگانه به ویژه نیروهای نظامی آمریکا از خاک عراق بر اساس جدول زمانی از پیش تعیین شده تأکید کردند».

در این نشست همچنین بر لزوم حمایت از حشد شعبی و سازماندهی کردن آن به منظور حفاظت و حراست از امنیت عراق، تأکید شد. شرکت کنندگان در نشست هرگونه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را نیز مردود و به مثابه ارتکاب جرم دانستند.

برگزاری سلسله نشست های مشترک میان اعضای هیأت هماهنگی شیعیان با حضور مقتدی صدر در حالی رخ می دهد که پیشتر برخی طرف های خارجی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی تمام تلاش خود را برای ایجاد چند دستگی و انشقاق در صفوف شیعیان به کار گرفته بودند. با این حال، نشست های پی در پی میان رهبران بیت شیعی موجب شد تا تلاش ها برای تفرقه افکنی میان آنها ناکام بماند.

در چنین شرایطی، پر واضح است که نشست «نجف» یک نشست مهم و سرنوشت ساز تلقی شود؛ نشستی که در جریان نقشه سیاسی آینده عراق طراحی و ترسیم می شود و در نهایت همگان ملزم به پایبندی به آن خواهند بود. نشست نجف را می توان در امتداد نشست اخیر میان هیأت هماهنگی شیعیان با حضور مقتدی صدر دانست که در منزل هادی العامری برگزار شد. دو طرف در جریان نشست روز پنجشنبه گذشته در خصوص مسائل بسیاری که پیشتر بدان اشاره شد با یکدیگر توافق کردند و اکنون به دنبال طراحی یک نقشه راه سیاسی برای آینده عراق هستند.

پیام برگزاری نشست مهم و سرنوشت ساز نجف این است که طرف های مختلف به این نتیجه رسیده اند که هیچکس به تنهایی قادر به رقم زدن آینده سیاسی عراق و تشکیل دولت جدید نخواهند بود. این بدان معناست که تمامی طرف ها در عراق اکنون دیگر راهکار و سناریوی تشکیل «دولت توافقی» و یا همان «دولت فراحزبی» را پذیرفته اند.

به نظر می رسد که یکی از مهمترین محورهایی که در جریان نشست نجف طی روز آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مؤلفه های تعیین رؤسای قوای سه گانه در عراق باشد.

پیشتر گمانه زنی هایی پیرامون توافق دوجانبه هیأت هماهنگی شیعی و صدر در خصوص عدم انتخاب رؤسای کنونی قوای سه گانه در دوره جدید مطرح شده بود. هر چند که طی چند روز گذشته اخبار ضد و نقیضی در این زمینه منتشر شد، اما به نظر می رسد که این مسأله جزء مسائل اصلی مورد بررسی در نشست مهم نجف باشد.

یکی دیگر از ابعاد مهم نشست سرنوشت ساز نجف مسأله بررسی زمان خروج نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا از خاک عراق است. هیأت هماهنگی شیعیان و مقتدی صدر در جریان نشست روز پنجشنبه گذشته تأکید کردند که نیروهای نظامی آمریکا باید طبق جدول زمان بندی اعلام شده خاک عراق را ترک کنند. این در حالی است که هیچ نشانه ای مبنی بر خروج نظامی واشنگتن از عراق تا پایان سال جاری میلادی به چشم نمی خورد.

یکی از مهمترین علل و عواملی که موجب شده است تا طرف های خارجی به ویژه واشنگتن نگرانی هایی پیرامون نشست نجف داشته باشند، همین مسأله است. در واقع، آمریکایی ها نگران آن هستند که تمامی طرف های بیت شیعی در نشست روز آینده نجف نقشه سیاسی جدیدی را برای آینده عراق ترسیم کنند که واشنگتن در آن هیچ جایی نداشته باشد.

آمریکایی ها پیشتر امیدوار بودند تا از بروز انشقاق احتمالی در صفوف بیت شیعی برای تداوم حضورشان در خاک عراق برای یک مدت زمان طولانی تر بهره برداری کنند.

به هر حال، آنچه که واضح به نظر می رسد این است که نشست نجف که قرار است فردا سه شنبه میان هیأت هماهنگی شیعیان با حضور مقتدی صدر برگزار شود، از اهمیت ویژه در ابعاد داخلی و خارجی که بدان اشاره شد، برخوردار است.



پشت پرده بازتولید عملیات تروریستی و انفجاری در عراق



تروریستی وجود دارد». این شخصیت عراقی اظهار داشت: «ایالات متحده آمریکا از حوادث تروریستی اخیر برای طولانی تر کردن حضور نظامی خود در این کشور بهره برداری خواهد کرد. در واقع، آمریکایی‌ها به بهانه وخامت اوضاع امنیتی در عراق تلاش خواهند کرد تا مدت زمان بیشتری را در خاک این کشور باقی بمانند.

از سوی دیگر، بازتولید اقدامات و عملیات تروریستی و انفجاری در عراق در سطح سیاسی نیز قابل بررسی است. سرویس‌های اطلاعاتی خارجی پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی زودهنگام با فعالسازی هسته‌های پنهان داعش تلاش کردند تا مانع از برگزاری انتخابات شوند. با این حال، تلاش‌های مذکور با نقش آفرینی محوری نیروهای حشد شعبی ناکام ماند و انتخابات پارلمانی در موعد مقرر برگزار شد.

اکنون نیز که انتخابات برگزار شده است، هسته‌های پنهان داعش توسط دستگاه‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و به ویژه ایالات متحده آمریکا فعال شده‌اند تا از تشکیل دولت پارلمان جدید عراق ممانعت به عمل آورند. هدف از این اقدام، ایجاد خلأ سیاسی در عراق است نکته قابل تأمل دیگری که در این زمینه وجود دارد، همزمان شدن وقوع حوادث تروریستی با توافقات اولیه میان هیأت هماهنگی شیعیان و مقتدی صدر است. این همزمانی در سطح سیاسی نیز قطعاً تصادفی نیست. اخیراً توافقات اولیه ای میان اعضای هیأت هماهنگی شیعیان و مقتدی صدر پیرامون راه اندازی کمیته‌های مشترک و نیز تشکیل دولت توافقی حاصل شد. به نظر می‌رسد که حوادث تروریستی چند روز گذشته با هدف ممانعت از عملیاتی شدن نهایی توافقات هیأت شیعی و مقتدی صدر صورت پذیرفته‌اند.

وقوع حوادث تروریستی در نقاط مختلف عراق موجب شده است تا بار دیگر موجی از ناامنی در برخی مناطق این کشور حاکم شود. تنها در طول یک هفته گذشته حداقل ۳ عملیات تروریستی در نقاط مختلف عراق اتفاق افتاده است. در همین ارتباط، حدود یک هفته پیش بود که تروریست‌های تکفیری داعش به منطقه مخمور واقع در اربیل یورش بردند. به دنبال این حمله تروریستی ۳ نفر کشته و ۱۰ تن دیگر زخمی شدند.

روز گذشته نیز عراق شاهد وقوع ۲ انفجار تروریستی بود. انفجار اول در استان بصره به وقوع پیوست و طی آن شماری از غیر نظامیان عراقی کشته و زخمی شدند. انفجار دوم در استان کرکوک اتفاق افتاد. به دنبال این انفجار نیز ۲ غیر نظامی عراقی کشته و شماری دیگر به شدت زخمی شدند. وقوع اقدامات تروریستی در نقاط مختلف عراق نگرانی از کشیدن شدن دامنه این اقدامات به سمت و سوی بغداد را افزایش داده است

خصیت‌ها، احزاب، جریان‌ها و ائتلاف‌های سیاسی عراق سلسله اقدامات تروریستی اخیر در این کشور را محکوم کرده‌اند. در همین ارتباط، «شیخ علی الاسدی» رئیس شورای سیاسی جنبش نجباء عراق اعلام کرد: «انفجار بصره وجود شکاف‌های اطلاعاتی در کشور را نشان داد. همانگونه که پیشتر گفته بودیم، بار دیگر تأکید می‌کنیم که سرویس‌های اطلاعاتی بین‌المللی و منطقه‌ای در صدد فعال‌سازی تروریسم هستند».

رئیس شورای سیاسی جنبش مقاومت اسلامی نجباء در ادامه سخنان خود در این زمینه یادآور شد: «اینگونه اتفاقات همواره در آستانه فرا رسیدن موعد خروج اشغالگران آمریکایی از عراق رخ می‌دهد». وی با اشاره به اینکه آمریکایی‌ها برای باقی ماندن در عراق، مبارزه با داعش را بهانه می‌کنند؛ افزود: داعش در مقابل دیدگان آمریکایی‌ها جولان می‌دهد. مبارزه با داعش توسط آمریکا یک دروغ بزرگ است.

واقعیت این است که بازگشت عملیات و اقدامات تروریستی و انفجاری به عراق نمی‌تواند با مسأله خروج نظامیان ایالات متحده آمریکا از خاک این کشور بی ارتباط باشد. طبق توافقی که طرف‌های آمریکایی و عراقی پیشتر با یکدیگر داشته‌اند، تا پایان سال جاری میلادی تمامی نیروهای رزمی ایالات متحده باید خاک عراق را ترک کنند. بنابراین، همزمانی وقوع حوادث تروریستی با موعد خروج نیروهای آمریکایی از خاک عراق تصادفی نیست

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی‌هایی وجود دارد که آمریکایی‌ها بتوانند حداقل حضور نظامی خود در مناطق کردنشین را حفظ کنند. از آنجایی که اقلیم کردستان عراق با بقای نظامی آمریکایی‌ها در مناطق کردنشین موافق است، وقوع حوادث تروریستی این اجازه را به اربیل می‌دهد تا رسماً از واکنش‌گتن درخواست بقای طولانی مدت در مناطق کردنشین را مطرح سازد. بنابراین، آمریکایی‌ها در تلاش هستند تا حتی اگر موفق به تداوم حضور نظامی در نقاط مختلف عراق نشوند، حداقل حضور خود در مناطق کردنشین را به بهانه بسط ناامنی در این مناطق، تثبیت سازند

در همین ارتباط، «سعد المطیعی» عضو ارشد ائتلاف «دولت قانون» عراق تصریح می‌کند: «با نزدیک شدن به زمان خروج نیروهای آمریکایی از عراق احتمال افزایش موج اقدامات



اذعان واشنگتن به بقای نظامی در خاک عراق / خروجی در کار نیست!



رامین حسین آبادیان: ۱۸ آذر بود که «قاسم الاعرجی» مشاور امنیت ملی عراق پایان مأموریت نیروهای رزمی ائتلاف آمریکایی در کشورش را رسماً اعلام کرد. الاعرجی با انتشار یک پست توئیتری در این زمینه نوشت: «ما امروز آخرین مرحله از گفتگو با ائتلاف آمریکایی را که سال گذشته آغاز کرده بودیم، به پایان رساندیم. بنابراین، اکنون می‌توانیم رسماً پایان مأموریت رزمی نیروهای ائتلاف آمریکایی و خروج آنها از عراق را اعلام کنیم. در بخش دیگری از توئیٹ این مقام عراقی آمده بود: «روابط عراق با ائتلاف بین‌المللی در زمینه آموزش، مشاوره نظامی و توانمندسازی یگان‌های نظامی، ادامه خواهد یافت». اعلام رسمی پایان مأموریت نیروهای رزمی ایالات متحده آمریکا در خاک عراق در حالی صورت گرفت که شواهد و قرائن جملگی از تداوم حضور نظامی آمریکایی‌ها در این کشور حکایت دارد. به عبارت بهتر، عملاً نشانه‌ای مبنی بر خروج نیروهای نظامی واشنگتن از عراق به چشم نمی‌خورد.

در همین ارتباط، «هیثم خزعلی» کارشناس امور امنیتی عراق تصریح می‌کند: «ایالات متحده آمریکا پشت پرده حوادث تروریستی اخیر در عراق قرار دارد. در واقع، آمریکایی‌ها می‌خواهند از این حوادث برای تداوم حضور نظامی در خاک عراق بهره برداری کنند».

این کارشناس امنیتی عراق در ادامه نیز می‌افزاید: «آمریکایی‌ها به دنبال دور زدن مصوبه پارلمان عراق مبنی بر اخراج نیروهای بیگانه هستند. این امکان وجود دارد که آمریکایی‌ها به بهانه وجود شکاف‌های امنیتی در عراق، حضور نظامی خود در این کشور را تداوم بخشند». «سعد المطیعی» عضو ائتلاف «دولت قانون» عراق نیز در همین زمینه تأکید می‌کند: «آمریکایی‌ها به بهانه وخامت اوضاع امنیتی در عراق تلاش خواهند کرد تا مدت زمان بیشتری را در خاک این کشور باقی بمانند».

از سوی دیگر، اعلام رسمی پایان مأموریت نیروهای رزمی ایالات متحده آمریکا در خاک عراق در حالی است که فرماندهان نظامی آمریکایی صراحتاً اعلام می‌کنند که از این کشور خارج نخواهند شد. در همین ارتباط، ژنرال «فرانک مکزی» رئیس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا موسوم به «سنتکام» در جدیدترین مواضع خود اعلام کرد واشنگتن ۲۵۰۰ نیروی کنونی در عراق را در این کشور نگاه خواهد داشت.

وی در ادامه سخنان خود تأکید کرد: گروه‌های مسلح [گروه‌های مقاومت] خواستار آن هستند که تمامی نیروهای آمریکایی از عراق خارج شوند اما ما این کشور را ترک نخواهیم کرد. این اظهارنظر واضح، صریح و علنی فرمانده نظامی ارشد ایالات متحده آمریکا خود به تنهایی نشان می‌دهد که عملاً خروجی در کار نیست! این بدان معناست که آمریکایی‌ها نه تنها تا پایان سال جاری میلادی از عراق خارج نمی‌شوند، بلکه به نوعی، در حال تحریک کردن گروه‌های مقاومت در این کشور نیز هستند.

البته در طول چند هفته گذشته و به دنبال فعال شدن هسته‌های پنهان داعش در عراق توسط آمریکایی‌ها این موضوع بر همگان آشکار شد که ایالات متحده قصد خروج از خاک این کشور را ندارد و می‌خواهد با ایجاد موجی از بی‌ثباتی و ناامنی در خاک عراق، به تداوم حضور خود در آنجا را مشروعیت بخشد.

در همین ارتباط، «شیخ علی الأسدی» رئیس شورای سیاسی جنبش مقاومت اسلامی «نجباء» عراق تصریح می‌کند: «این یک علامت استغفهام بزرگ است که چرا سلسله اقدامات تروریستی در عراق همواره در آستانه نزدیک شدن به موعد خروج نیروهای آمریکایی از این کشور، رخ می‌دهند؟ بدیهی است که دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی به دنبال فعالسازی هسته‌های پنهان داعش در عراق هستند».

ناگفته پیداست که عدم خروج نظامیان ایالات متحده آمریکا از خاک عراق تا پایان سال جاری میلادی و طبق جدول زمانی از پیش طراحی شده، موجب تشدید موج اقدامات گروه‌های مقاومت علیه آنها خواهد شد. گروه‌های مقاومت عراق بارها صراحتاً اعلام کرده‌اند که حضور ایالات متحده آمریکا در خاک کشور خود را اشغالگریانه و غیرقانونی تلقی می‌کنند.

در همین راستا، پیشتر «شیخ اکرم الکعبی» دبیر کل جنبش مقاومت اسلامی «نجباء» اعلام کرده بود که در صورت تداوم حضور نظامی آمریکایی‌ها در خاک عراق، گروه‌های مقاومت با نظامیان آمریکایی همچون عناصر اشغالگر برخورد خواهد کرد.

در همین چند روز اخیر نیز سلسله اقدامات ضد آمریکایی در عراق تشدید شده است. به عنوان نمونه، روز گذشته بود که ۲ کاروان لجستیک متعلق به ارتش آمریکا در استان‌های بابل و الدیوانیه هدف قرار گرفت و منهدم شد.

چندی پیش نیز «حزب الله» عراق با صدور بیانیه‌ای به ایالات متحده آمریکا درباره پیامدهای وخیم عدم خروج نظامی آن از خاک عراق تا پایان سال جاری میلادی هشدار جدی داد. این تحولات جملگی نشان از آن دارند که در صورت عدم خروج نظامی آمریکا از خاک عراق تا پایان سال ۲۰۲۱ فصل تازه‌ای از اقدامات ضد آمریکایی در این کشور کلید خواهد خورد؛ به ویژه اینکه مردم عراق نیز به هیچ وجه دل خوشی از نظامیان آمریکایی ندارند و بارها با برگزاری تظاهرات گسترده به ویژه در بغداد، این مسأله را با صدای بلند فریاد زده‌اند.



ماموریت خطرناک سفارت آمریکا در بغداد

یک مکان نظامی شباهت دارد، فعالیت‌های ضد فرهنگی و ضد اجتماعی در خاک عراق انجام می‌دهد.

در همین راستا، «حیدر اللامی» عضو دفتر سیاسی جنبش «النجباء» با اشاره به اینکه سفارت آمریکا در بغداد تهدید بزرگ‌تری در مقایسه با حضور آمریکایی‌ها در عراق به شمار می‌رود، اعلام کرد که این سفارت به لانه‌ای برای نابودی بافت اجتماعی و فرهنگی عراق تبدیل شده است.

وی ضمن بیان اینکه توطئه‌هایی در داخل سفارت آمریکا برای ضربه زدن به بافت اجتماعی و نفوذ فرهنگی و فکری به ویژه در استان‌های نجف و کربلا وجود دارد، بر لزوم بازنگری در تعداد کارکنان داخل این سفارت تأکید کرد.

آمریکایی‌ها نفوذ فرهنگی در عراق را از طریق اجرایی ساختن برنامه موسوم به «آیلپ» (IYLEP- Iraqi Young Leaders Exchange Program) انجام می‌دهند.

«آیلپ» یک آموزشی مختص نوجوانان عراقی است و توسط سفارت ایالات متحده در بغداد پیاده سازی می‌شود. ایالات متحده آمریکا از طریق این برنامه تلاش می‌کند تا عقاید و فرهنگ نوجوانان عراقی را مطابق با استانداردهای خود دستخوش تغییر قرار دهد.

آمریکایی‌ها بر اساس «آیلپ»، برنامه‌ها و سفرهای آموزشی برای نوجوانان عراقی در نظر می‌گیرند تا از این طریق بتوانند فرهنگ آنها را تغییر دهند و بر بافت اجتماعی این کشور تأثیر گذار باشند. سفارت واشنگتن در بغداد حدود یک ماه پیش با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که امسال نیز برنامه «آیلپ» برای نوجوانان عراقی اجرا می‌شود. بر اساس تمامی آنچه که گفته شد، اکنون دیگر ناگفته پیداست که آمریکایی‌ها نه تنها از طریق گسترش حضور نظامی خود در خاک عراق که از رهگذر نفوذ فرهنگی نیز به دنبال ضربه وارد کردن به این کشور هستند. این مسأله نشان می‌دهد که واشنگتن از هیچ تلاشی برای بسط سلطه خود در عراق دریغ نکرده و نمی‌کند.

اقدامات مخرب سفارت ایالات متحده آمریکا در عراق مدتی است که اعتراض احزاب و جریان‌ها، مقامات و شخصیت‌های سیاسی این کشور را برانگیخته است. در همین ارتباط، چندی پیش «نصر الشمری» معاون دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی «نجباء» عراق در سخنانی صریح اعلام کرد که سفارتخانه ایالات متحده آمریکا در عراق به «لانه شیطان» تبدیل شده است.

واقعیت این است که سفارت ایالات متحده آمریکا در خاک عراق از مدت‌ها پیش از مأموریت دیپلماتیک خود در بغداد فاصله گرفته است. امروز دیگر همگان سفارت آمریکا در عراق را بزرگترین پایگاه نظامی در پایتخت این کشور می‌دانند. آمریکایی‌ها در حال حاضر سامانه ضد هوایی و ضد موشکی «سی‌رام» را در اطراف سفارت خود مستقر کرده‌اند و آخرین اخبار حاکی از آن است که قصد دارند از سامانه «پاتریوت» نیز استفاده کنند.

تمامی گزارش‌ها از این مسأله حکایت دارند که ایالات متحده آمریکا تسلیحات نظامی سنگین خود را در سفارت واشنگتن در بغداد نگهداری می‌کند. در همین ارتباط، «بدر الزیادی» عضو سابق کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان عراق تصریح می‌کند: «سفارت آمریکا در بغداد از سفارت به پادگان نظامی تبدیل شده است. این سفارت به تهدیدی برای بغداد، پایتخت عراق تبدیل شده است زیرا سلاح سنگین زیادی در آن قرار دارد».

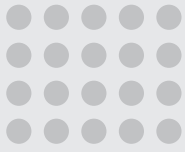
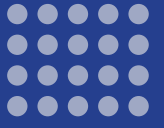
این شخصیت سیاسی عراق در ادامه اظهاراتش گفت: «سامانه سی‌رام آمریکا موجب رعب و وحشت ساکنان نزدیک منطقه الخضراء بغداد می‌شود. سفارت آمریکا مرکز اداره عملیات جنگی و تهدیدی آشکار علیه امنیت و حاکمیت عراق است».

شخصیت‌های عراقی معتقدند که استقرار سامانه‌هایی نظیر «سی‌رام» و «پاتریوت» در اطراف سفارت ایالات متحده آمریکا در بغداد نقض آشکار حاکمیت ملی عراق محسوب می‌شود و دولت بغداد باید با این اقدام آمریکایی‌ها برخورد جدی نماید. گروه‌های مقاومت عراق نیز بارها و در مناسبت‌های مختلف نسبت به فعالیت‌های نظامی آمریکایی‌ها در سفارت خود در بغداد هشدار داده‌اند. در همین حال، حضور نظامیان آمریکایی در سفارت واشنگتن در بغداد نیز خود یکی از مسائل جنجال برانگیز در خصوص ماهیت مأموریت این مکان دیپلماتیک محسوب می‌شود. در همین راستا، «سعد محمد الکعبی» تحلیلگر امور سیاسی عراق تصریح می‌کند: «این یک واقعیت است که حضور نظامیان آمریکایی در سفارت واشنگتن در بغداد با اصل احترام به حاکمیت ملی عراق در تعارض آشکار است».

از سفارت ایالات متحده آمریکا در عراق به عنوان گران‌ترین و بزرگترین سفارت در سراسر جهان یاد می‌شود. بر اساس گزارش‌های منتشر شده مساحت این سفارتخانه به تنهایی با مساحت شهر واتیکان برابری می‌کند. گفته می‌شود که مبلغ ۷۵۰ میلیون دلار برای احداث این سفارتخانه هزینه شده است.

«محمد البیاتی» نماینده سابق پارلمان عراق در سخنانی با اشاره به فاصله گرفتن سفارت آمریکا از مأموریت دیپلماتیک خود در خاک عراق، تأکید کرد که این سفارتخانه هیچ گونه خدمات دیپلماتیک ارائه نمی‌کند. وی با بیان این موضوع افزود: «ایجاد سفارتی به این بزرگی و در حالی که هیچ گونه خدمات دیپلماتیک ارائه نمی‌کند، نشان می‌دهد که این مجموعه به جای سفارتخانه یک پایگاه نظامی بزرگ است».

مأموریت‌های غیر دیپلماتیک سفارت آمریکا در عراق تنها در حوزه نظامی و امنیتی خلاصه نمی‌شود بلکه فراتر از آن نیز می‌رود. سفارت واشنگتن در بغداد عین اینکه به



فصل چہارم

باج خواهی ریاض از بیروت استعفای «قرداحی» مشکل را حل خواهد کرد؟



مشکلات لبنان حل خواهد شد اما بحران اقتصادی و مشکلات لبنان آنقدر پیچیده است که این حرکت تأثیری در آن نداشته باشد. بیانیه عجیب چند روز قبل وزارت خارجه لبنان در محکومیت صنعا و حمایت از ریاض در این راستا انجام شد.

برخی از سیاستمداران لبنانی فقط چشم به خارج دوخته‌اند تا مشکلاتشان حل شود. بعد حاکمیت ملی در لبنان در قاموس این سیاستمداران جایی ندارد. هنگامی که آنها فهمیدند که امونوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه عازم ریاض است بر دامنه فشارها بر قرداحی افزودند که این آخرین فرصت برای نجات لبنان و برقراری ارتباط با عربستان است و آقای ماکرون در این صورت می‌تواند کاری برای لبنان انجام دهد و پادرمیانی کند تا شاید آل سعود دست از اقدامات خود علیه لبنان دست بردارد اما زهی خیال باطل که این سیاستمداران گردن خود را زیر تیغ آل سعود گذاشته‌اند تا آنها اهداف خود را پیاده کنند.

سعودی‌ها گاهی به بهانه‌های واهی مانع از واردات محصولات کشاورزی لبنان می‌شوند و گاهی حرفهای قرداحی را بهانه می‌کنند و بیروت را تحت فشار قرار می‌دهند. پس انتظار برخی سیاستمداران لبنانی درباره اینکه اوضاع با استعفای قرداحی حل شود، نادرست است. منطقی است زمانی که بر روابط دو کشور تنش نظامی یا مداخله از طریق طراحی کودتا حاکم شود، قطع روابط دیپلماتیک و تهدید به محاصره، امری منطقی و رایج است. ولی زمانی که درباره قطع روابط و محاصره اقتصادی و تهدید به اخراج شهروندان کشوری به دلیل اظهارات یکی از وزرای دولت آن کشور است، بدانید که یکی از این دو طرفی که اقدام به اعمال زور غیرمنطقی می‌کند عربستان سعودی است. به طور حتم ریاض به باج خواهی از لبنان ادامه خواهد داد و برای تحقق اهداف خود هر حادثه‌ای را بهانه قرار خواهد داد تا به بیروت فشار وارد کند.

چندی قبل مصاحبه‌ای از پیش ضبط شده از جورج قرداحی وزیر اطلاع‌رسانی لبنان منتشر شد که او در آن جنگ یمن را پوچ خواند، بعد از این مصاحبه عربستان که به دنبال ضربه زدن به لبنان بود آن را بهانه‌ای برای قطع کردن روابط دیپلماتیک خود با این کشور قرار داده و ضمن فراخواندن سفیر خود از بیروت عذر سفیر لبنان را خواست.

کشورهای حاشیه خلیج فارس شامل بحرین، کویت و امارات نیز به دنبال این حرکت عربستان سفرای لبنان را اخراج کرده و سفیران خود را از این کشور فراخواندند. با این وجود وزیر خارجه عربستان اعلام کرد مشکل ریاض با بیروت بر سر این مسئله نیست و عربستان به دنبال شکستن هژمونی «حزب الله» در لبنان است.

پس از بحران سیاسی ساختگی که عربستان سعودی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس علیه لبنان به راه انداختند جورج قرداحی وزیر اطلاع‌رسانی این کشور استعفای خود را در کنفرانسی خبری اعلام کرد ظهر روز گذشته و بعد از فشارهای داخلی و خارجی به جورج قرداحی، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان استعفانامه خود را تقدیم رئیس جمهور و نخست وزیر لبنان کرده و ابراز امیدواری کرد استعفای او بتواند روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس با بیروت را به حالت عادی بازگرداند. «نجیب میقاتی» نخست‌وزیر لبنان استعفانامه وزیر اطلاع‌رسانی دولتش را پذیرفت و برای ادامه مراحل استعفانامه وی را به «میشل عون» رئیس جمهور لبنان ارسال کرد.

آیا بحران با استعفای قرداحی حل خواهد شد؟

برخی کارشناسان استعفای جرج قرداحی، وزیر اطلاع‌رسانی لبنان را ضربه‌ای به حاکمیت ملی این کشور می‌دانند و معتقدند با این استعفا، بحران لبنان و عربستان حل نمی‌شود یا به طور کامل حل نخواهد شد.

محافل رسانه‌ای اعلام کردند استعفای قرداحی اقدامات عربستان سعودی را متوقف نخواهد کرد و در همین حال برخی دیگر ابراز امیدواری کردند استعفای قرداحی اوضاع را به مسیر طبیعی بازگرداند. غالب قنبدیل، رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ای خاورمیانه گفت: کرامت ملی لبنان ایجاب می‌کند در مقابل رفتارهای عربستان سعودی مقاومت شود. نظام وابسته به غرب و تابع سیاست‌های آمریکا و متجاوز به ملت یمن، حق ندارد این گونه برخورد کند.

عبداللهادی محفوظ، رئیس شورای ملی رسانه‌های سمعی و بصری لبنان گفت: مسئله فراتر از وزیر جرج قرداحی است. گمان نمی‌کنم این مشکل به طور کامل پایان پیدا کند. استعفای وزیر اطلاع‌رسانی، مشکل بیروت و ریاض را حل نخواهد کرد.

درباره استعفای قرداحی و فشاری که به آن برای استعفا وارد شد باید گفت که عربستان از زاویه اظهارات این وزیر درباره یمن وارد این بحران نشد بلکه از زاویه دخالت در امور لبنان و تحریک علیه گروه‌های سیاسی این کشور وارد چنین بحرانی شد.

سیاستمداران لبنانی متحد ریاض در موضوع قرداحی به گونه‌ای عمل کردند که گویا همه مشکلات لبنان به قرداحی مربوط می‌شود و اگر وزیر اطلاع‌رسانی لبنان استعفا کند، یک شبه همه



است که اگرچه قرداحی استعفا کرد اما هرگز نه بابت حرف‌هایش درباره یمن عذرخواهی کرد و نه موضعی را در قبال یمن تغییر داد. در واقع استعفا یمن وزیر لبنانی بدون عذرخواهی بابت حرف‌ها و مواضعش یک پیروزی محسوب می‌شود و اینکه هجمه سنگین نتوانست خللی در مواضع او در قبال جنگ یمن وارد کند. در پایان با مروری به سیر تحولات مربوط به استعفا یمن جورج قرداحی وزیر اطلاع رسانی لبنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخست اینکه هجمه به قرداحی و فشار به او برای استعفا در راستای ادامه سیاست‌های وحشیانه سعودی در حذف مخالفان سیاست‌های خود و به عبارت دیگر ساکت کردن هر صدایی است که در رسانه علیه سیاست‌های آن مطرح می‌شود از جمال خاشقجی روزنامه نگار و منتقد مشهور که به طرز فجیعی از سوی جوخه ترور بن سلمان به قتل رسید تا جنجال و هجمه به قرداحی به خاطر موضع گیری درباره جنگ یمن و زیر سوال بردن سیاست‌های ریاض. در واقع عربستان نه تنها با آزادی بیان بیگانه است که برای خاموش کردن هر ندای آزادیخواهانه از همه ادوات و مهره‌های خود استفاده می‌کند.

دوم، قرداحی یک شجاعت سیاسی به خرج داد تا لبنان را از فشارها و بهانه‌های سعودی برای خالص سیاسی و بی ثباتی نجات دهد. در واقع کاری که قرداحی کرد اعتبار بخشیدن به حاکمیت ملی لبنان بود نه تضعیف آن و در نهایت هم زمانی که فشارها بر لبنانی‌ها بیشتر شد استعفا کرد اما هرگز بابت مواضع خود عذرخواهی نکرد و از مواضع خود در قبال یمن عقب نشینی نکرد.

سوم، حمایت قوی که حزب الله و دیگر شخصیت‌های مقاومت از او به عمل آوردند قابل توجه است. متحدان قرداحی هیچگاه فشاری به وی برای استعفا وارد نکردند و او را در این موضوع آزاد گذاشتند. این حمایت بود که سخت ریاض را مستاصل کرده بود.

چهارم، اگر چه قرداحی مجبور به استعفا شد اما عربستان بیشتر در باتلاقی یمن فرو می‌رود و هرگز نخواهد توانست با چنین رویکردی سیاسی فشارها را از خود بردارد. واقعیت این است که عربستان در باتلاقی در یمن فرو رفته است که روز به روز بیشتر در آن غرق می‌شود به ویژه که فتوحات نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن روز به روز بیشتر می‌شود.

پنجم، دولت لبنان که بعد از این استعفا به زبان نجیب میقاتی ابراز امیدواری کرد که با عربستان و کشورهای خلیج فارس روابط خوبی داشته باشند باید منتظر فشارها و اقدامات بعدی هم باشد زیرا با هر تحولی ریاض در امور داخلی عربستان دخالت می‌کند. به عبارت دیگر مقام‌های دولت لبنان در آینده از آزادی بیان علیه سعودی برخوردار نخواهند بود چرا که ممکن است سعودی‌ها از منافع و روابط تجاری با لبنان گروهی کنند.

استعفا یمن قرداحی شکستی برای ریاض

اگر از زاویه دیگر به موضوع نگرسته شود می‌توان استعفا یمن قرداحی را شکست دیگری برای ریاض دانست زیرا سعودی‌ها تمام توان سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای و اقتصادی خود را به کار بستند و همه کارتها و مهره‌های خود را در داخل و خارج از لبنان به کار گرفتند تا یکی از وزیران دولت لبنان را مجبور به استعفا کنند. آنها به تهدید و تحریم روی آوردند.

قرداحی در بیانیه استعفا خود تأکید کرد که این استعفا به دلیل جلوگیری از هدف گرفتن و قطع روزی لبنانی‌ها در عربستان سعودی صورت می‌گیرد. این برای محکوم کردن مقامات سعودی کافی است که از لبنانی‌ها به عنوان کارتی در سیاست‌های خصمانه و کینه‌توزانه علیه لبنان استفاده می‌کنند. اظهارات قرداحی در بیانیه استعفا، بزرگ‌ترین محکومیت علیه ریاض است.

قطلاً در روزهای آتی در رسانه‌های سعودی و رسانه‌های لبنانی وفادار به ریاض وانمود خواهند کرد که ریاض به یک پیروزی بزرگ دیپلماتیک در مواجهه با طرف و طرف‌هایی که به ریاض اهانت می‌کنند، دست یافته است. در حالی که سعودی‌ها و مهره‌های آن خوب می‌دانند که آنها هیچ دستاوردی از این بحران آفرینی نداشته‌اند و مهم‌ترین چیزی که حاصل شد این بوده که حکومت «برادر» لبنان اولین طرفی بوده که این کشور را تحریم کرد و آن را در راستای خدمت به منافع طرف‌های معلوم‌الحال، هدف قرار داد. آنچه درباره این موضوع می‌توان مورد توجه قرار داد این



طراد حماده وزیر سابق لبنانی:

مشکل ریاض با بیروت فراتر از قرداحی است



جورج قرداحی» وزیر اطلاع رسانی سابق لبنان روز جمعه گذشته در جریان یک نشست خبری رسماً از سمت خود استعفا کرد. وی در این نشست خبری گفت: نیازی نیست که یک بار دیگر داستان را از ابتدا تعریف کنم و یادآوری کنم که سخنانم درباره یمن را پیش از انتصاب در پست وزارت بیان کرده بودم. قرداحی افزود: پس از اظهاراتم درباره یمن حمله سنگین و البته غرض ورزانه‌ای از سوی برخی رسانه‌های لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس علیه من به راه افتاد.

وی عنوان کرد: من نمی‌خواهم مایه آزار و اذیت برای لبنان باشم. طبیعی است که برادران لبنانی‌ام در کشورهای حاشیه خلیج فارس از خودم برایم مهمتر هستند. از همین روی، تصمیم گرفتم از پستم استعفا دهم. قرداحی گفت: واقعیت این است که جنگ یمن تا ابد ادامه پیدا نخواهد کرد و روزی فرا خواهد رسید که طرف‌های درگیر در این جنگ دور یک میز برای مذاکره با یکدیگر خواهند نشست. رئیس‌جمهور ماکرون با عربستان در خصوص از سرگیری روابط آن با لبنان صحبت خواهد کرد.

وزیر اطلاع رسانی سابق لبنان اظهار داشت: صحبت‌های چند هفته پیش وزیر خارجه عربستان در خصوص اینکه ریشه مشکلات ریاض با بیروت فراتر از سخنان وزیر اطلاع رسانی لبنان است، خود به تنهایی گویای همه چیز است. با توجه به مطالبات بسیاری که برای استعفا از پستم وجود دارد، تصمیم به استعفا گرفتم. از این پس، تداوم حضور من در دولت لبنان کاملاً بیهوده است

قرداحی گفت: از گروه‌هایی که از من حمایت به عمل آوردند تشکر می‌کنم. همه ما در راستای خدمت به اهداف عالی لبنان حرکت می‌کنیم. از آنجایی که ابتکار عمل جدیدی برای از سرگیری روابط میان عربستان و لبنان از سوی ماکرون مطرح شد، از پست خود استعفا دادم. امیدوارم طرح فرانسه برای بازگشت روابط ریاض و بیروت موفقیت آمیز باشد. در همین ارتباط خبرگزاری مهر گفتگویی را با «طراد حماده» وزیر سابق لبنانی ترتیب داده است که مشروح آن را مطالعه می‌کنید:

طراد حماده در پاسخ به سؤالی پیرامون علل و عوامل استعفای قرداحی از پست خود تأکید کرد: پس از آنکه «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه طرح جدیدی را به منظور حل و فصل بحران میان بیروت و ریاض ارائه کرد، قرداحی تصمیم به استعفا از پست خود گرفت. این درحالی است که برخی دیگر از گروه‌های سیاسی در لبنان نیز از طرح رئیس‌جمهور فرانسه برای کاهش تنش‌ها حمایت به عمل آوردند.

وی در ادامه افزود: روابط میان عربستان و لبنان به دنبال بحران اخیر تقریباً به مرز قطع شدن کامل رسیده بود که قرداحی تصمیم به استعفا گرفت. پس از این اقدام قرداحی، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه توانست طرح خود برای پایان بحران میان ریاض و بیروت را ارائه دهد.

این وزیر سابق لبنانی همچنین یادآور شد: در زمینه بحران میان لبنان و عربستان هنوز اتفاق چشمگیری رخ نداده است. به هر حال، تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل این بحران ادامه دارند. هر چند که بازگشت روابط لبنان و عربستان به شکل اول خود کار بسیار

سختی به نظر می‌رسد اما تلاش‌های دیپلماتیک در این عرصه متوقف نشده‌اند. من معتقدم که بازگشت روابط به حالت اولیه مستلزم تلاش‌های طاقت فرسا و بی‌وقفه است.

طراد حماده در ادامه سخنان خود در این زمینه عنوان کرد: تاکنون نشانه‌ای مبنی بر حل و فصل بحران و تنش در روابط میان عربستان و لبنان مشاهده نشده است. در رابطه با اینکه برندگان و بازندگان این ماجرا چه کسانی هستند، نمی‌توان قضاوت کرد. باید منتظر ماند و دید که چه دستاوردهایی محقق خواهد شد. آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که نخست وزیر میقاتی احساس کرده است که از حمایت و پشتیبانی قوی فرانسه برخوردار است.

وی همچنین اظهار داشت: باید به این مسأله نیز توجه داشت که رئیس‌جمهور فرانسه نیز از رهگذر مداخله در زمینه حل و فصل بحران میان عربستان و لبنان به دنبال بهره‌برداری از این اقدام خود در انتخابات است. با تمامی اینها، معتقدم که بزرگترین برنده ماجرای که به راه افتاد، جورج قرداحی است. او استعفا داد اما از موضع خود درباره بیهودگی جنگ یمن عقب نشینی نکرد.

این وزیر سابق لبنانی افزود: علت تنش در روابط میان عربستان و لبنان تنها به خشمگین شدن سعودی‌ها از اظهارات وزیر اطلاع رسانی سابق این کشور محدود و محصور نمی‌شود. مسأله خیلی فراتر از این مسائل است. در واقع، سعودی به دنبال سیطره بر لبنان است و می‌خواهد از شرایط اقتصادی سخت این کشور سو استفاده کند. ریاض تلاش می‌کند سیاست‌های خود را به لبنان دیکته کند.

وی در پایان اظهار داشت: علیرغم تمامی اقداماتی که عربستان علیه بیروت انجام می‌دهد، لبنانی‌ها با تکیه بر قدرت ملت و مقاومت خود به حشمان در برخورداری از عزت و آزادی پایبند می‌مانند و از آن کوتاه نمی‌آیند.



طلال عترسی تحلیلگر لبنانی:

سیاست ریاض بحران سازی در لبنان است فرصت طلبی فرانسوی ها



اظهارات قرداحی فقط ظاهر مسئله است. هنگامی که سعودی ها در ابتدا بر استعفای قرداحی اصرار کردند و او به این درخواست استعفا پس از یک ماه پاسخ داد، این یعنی استعفای قرداحی زیر فشارهای سیاسی و به دلایل سیاسی صورت گرفته است و نه به خاطر درخواست سعودی ها و همین مسئله به زبان عربستان تمام شد. با توجه به همه این تحولات، عربستان بازنده معنوی استعفای قرداحی است و وزیر لبنانی که به عنوان یک شخصیت ملی نمایان شد، پیروز این کارزار محسوب می شود. رئیس جمهور فرانسه نیز در اقدامی فرصت طلبانه و به خاطر دستیابی به فرصت سرمایه گذاری در عربستان، استعفا را بر قرداحی تحمیل کرد.

* آیا بحران روابط بین لبنان و عربستان به اظهارات قرداحی درباره یمن محدود است یا دامنه آن گسترده تر است؟

بحران بین عربستان و لبنان مختص به قرداحی نیست زیرا اظهارات او درباره جنگ یمن قبل از وزیر شدنش بوده است و او در دوران وزارتش هیچ اظهار نظری علیه عربستان نداشته است. مشکل عربستان، شکست در جنگ یمن است و ریاض از طریق بحران قرداحی خواست اعلام کند طرف مؤثری در تحولات لبنان است.

عربستان خواهان تشکیل دولت لبنان نیست بلکه تلاش می کند خلأ حاکمیت در این کشور برقرار و حزب الله به اوضاع داخلی لبنان سرگرم باشد. عربستان با روند حل و فصل سیاسی که به انتخاب میشل عون منجر شد، مخالف بود و از آن زمان تا کنون با لبنان سر ناسازگاری دارد و حتی سعد الحریری نخست وزیر پیشین لبنان را چند روزی بازداشت و او را به استعفا مجبور کرد.

بنابر این، سیاست عربستان در قبال لبنان ارتباطی با وزیر قرداحی ندارد و سیاست ریاض، بحران سازی در لبنان است زیرا این کشور نمی خواهد حزب الله در تحولات لبنان نقش اساسی ایفا کند و خواهان ثبات این کشور نیست و تنها خواسته اش، اعمال فشار بر حزب الله است.

این رویکردها و سیاست های عربستان به نتیجه ای نمی رسد بلکه کاملاً برعکس هنگامی که به عنوان بزرگترین بازنده از لبنان خارج شد، با خروج خود فضا را برای نیروهای دیگر باز می کند.

جورج قرداحی وزیر اطلاع رسانی لبنان پس از اظهارات اخیرش درباره بیهوده بودن جنگ یمن و ضرورت توقف آن، برای آرام کردن اختلافات دیپلماتیک لبنان با عربستان استعفا نامه خود را به نخست وزیر لبنان تقدیم کرد.

برخی تحلیلگران معتقدند استعفای وزیر قرداحی پیش از سفر امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه به بیروت به این امید انجام گرفته است که این استعفا به کاستن از شدت بحران ناشی از اظهارات قرداحی درباره نقش عربستان در جنگ علیه یمن کمک کند. خبرگزاری مهر برای بررسی بیشتر این موضوع با «طلال عترسی» تحلیلگر مسائل خارومیانه و رئیس مرکز مطالعات سیاسی دانشگاه لبنان مصاحبه ای انجام داده است که مشروح آن در زیر می آید:

* آیا استعفای جورج قرداحی بر او تحمیل شد یا این استعفا اقدامی شجاعانه از سوی او برای کاستن از فشارها بر دولت لبنان و حل بحران بین لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس و در رأس آن عربستان بود؟

وزیر قرداحی راضی به استعفا نبود. او از زمان آغاز بحران در یک ماه پیش با استعفا مخالفت کرد و حتی عذرخواهی را نیز نپذیرفت زیرا اظهارات او حاوی هیچ اهانت مستقیمی به عربستان نبود و اظهارات او مبنی بر بیهوده بودن جنگ یمن را پیش از او نیز افراد زیادی گفته بودند، از جمله ولید جنبلاط رئیس حزب سوسیالیست ترقی خواه لبنان، امیر قطر، نماینده سیاسی اتحادیه اروپا و افراد دیگر. همه آنها تأیید کردند جنگ یمن بیهوده است.

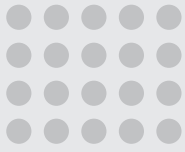
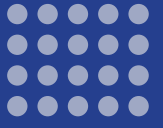
وزیر قرداحی در زمان وزارت خود این سخنان را ایراد نکرده بود و بنابراین او در دوران وزارتش هیچ اهانتی به عربستان نکرد و او به خاطر اظهارات بازخواست می شود که قبل از وزیر شدن گفته است و به همین علت با عذرخواهی و استعفا مخالفت می کرد. او بیش از یک ماه تحت فشارهای شدید قرار گرفت و همچنان به لحاظ شخصی تمایلی به این استعفا نداشت.

علاوه بر این، قرداحی مستقیماً گفت بخش بزرگی از طرف های داخلی لبنان که او را تحت فشار قرار می دادند، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لبنان را به بحران مرتبط با اظهارات او ربط می دهند و به همین علت او در نهایت مجبور به تقدیم استعفا شد ولی همچنان از عذرخواهی خودداری کرد. قرداحی در نهایت مجبور به استعفا شد ولی عذرخواهی نکرد، به ویژه که ماکرون رئیس جمهور فرانسه شخصاً از برخی رهبران سیاسی لبنان خواسته بود که قرداحی استعفا دهد تا او بتواند از آن به عنوان برگه ای در مذاکره با عربستان استفاده کند. این در حالی است که ماکرون به دنبال جذب سرمایه گذاری سعودی ها است تا بتواند از آن به نفع خود در تحولات داخلی فرانسه سود ببرد. بله می توان از استعفای قرداحی به عنوان فداکاری و شجاعت او تعبیر کرد ولی او همچنان اطمینان ندارد که آیا این استعفا به حل بحران بین لبنان و عربستان منجر می شود یا خیر. همچنین برای او روشن نیست که آیا عربستان به این استعفا واکنش مثبت نشان می دهد و به لبنان کمک می کند و آیا از فشارهای خود بر این کشور می کاهد یا خیر.

* آیا معتقدید استعفای قرداحی زمینه را برای حل احتمالی اختلافات دیپلماتیک بین لبنان و عربستان فراهم می کند و به بازبانی مجدد روابط دو جانبه منجر می شود؟ برندگان و بازندگان این استعفا چه طرف هایی هستند؟

واضح نیست آیا استعفا واقعا به پایان اختلافات منجر می شود یا خیر. سعودی ها پس از فراخوانی سفیر خود از لبنان مستقیماً گفتند مشکل ریاض از مسئله قرداحی فراتر بوده و مشکل آنها با لبنان، حزب الله است که به ادعای آنها بر لبنان سیطره یافته است.

بزرگترین مشکل عربستان با حزب الله این است که حزب الله از انصار الله در یمن حمایت می کند و به نظر ریاض این مشکل عمیقی است. بنابراین موضوع صرفاً به مسئله قرداحی مرتبط نیست و



فصل پنجم



اهداف تل آویو از نزدیک شدن به رباط



نظامی دوجانبه میان مغرب و رژیم صهیونیستی را به شدت محکوم کرد. جهاد اسلامی اعلام کرد: امضای توافقنامه با رژیم صهیونیستی موجب تشویق این رژیم به ارتکاب جنایات بیشتر علیه فلسطینیان می‌شود

واقعیت این است که مردم مغرب با برپایی تظاهرات ضد صهیونیستی نشان دادند که همچون دیگر ملت‌ها با سیاست‌های حکام خود در عادی‌سازی روابط با تل آویو مخالف هستند. این مسأله نشان می‌دهد که مواضع حکام مغرب در نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی به هیچ وجه بیانگر مواضع جامعه مغرب نیست. حتی در زمان امضای توافقنامه عادی‌سازی روابط میان رباط و تل آویو مغربی‌ها بارها با برگزاری تظاهرات گسترده لغو توافقنامه مذکور را خواستار شدند

مقامات رژیم صهیونیستی از یک سوی و حکام مغرب از سوی دیگر، از رهگذر نزدیک شدن به یکدیگر به دنبال تحقق اهدافی هستند. به عنوان نمونه، رژیم صهیونیستی برای فروش هرچه بیشتر تسلیحات نظامی به مغرب تلاش می‌کند. در همین ارتباط باید گفت که وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در جریان سفر به «رباط» چندین توافق نظامی و امنیتی با فرماندهان نظامی مغرب به امضا رساند.

«رامین حسین آبادیان: بنی گانتز» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در اواسط هفته گذشته در سفری چند روزه وارد کشور «مغرب» شد. مقامات مغربی نیز در راستای سیاست عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی استقبال گرمی از گانتز به عمل آوردند. سفر وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به رباط و استقبال مقامات مغربی از وی واکنش‌های فراوانی را به دنبال داشت.

در همین ارتباط، کمیته‌های مقاومت فلسطین با صدور بیانیه‌ای مشترک به سفر «بنی گانتز» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به «رباط» پایتخت مغرب واکنش نشان دادند. در بیانیه کمیته‌های مقاومت فلسطین آمده است: گانتز یک جنایتکار جنگی بوده و سفر او به مغرب محکوم است

کمیته‌های مذکور در ادامه بیانیه خود در این زمینه همچنین عنوان کرده اند: استقبال از گانتز توسط مقامات مغرب اوج فروپاشی ارزش‌های اخلاقی نزد آنها را به نمایش گذاشت. گانتز کسی است که زنان و کودکان فلسطینی را به قتل رسانده و هم اکنون نیز به کشتار فلسطینیان ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد که مغرب خود را گرفتار جنایت عادی سازی ذلت بار روابط با صهیونیست‌ها کرده است.

در همین حال، مردم مغرب در اعتراض به سفر «بنی گانتز» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به شهر رباط دست به برگزاری تظاهرات زدند. منابع رسانه‌ای اعلام کردند که این تظاهرات در نقاط مختلف برگزار شده است. مغربی‌ها در جریان تظاهرات مذکور با سر دادن شعارهایی سفر بنی گانتز به رباط را به شدت محکوم کردند. تظاهرات کنندگان خواستار قطع روابط مغرب با رژیم صهیونیستی شدند.

از سوی دیگر، جنبش جهاد اسلامی فلسطین در بیانیه‌ای تصریح کرده است: استقبال از گانتز در مغرب خنجری از پشت به ملت فلسطین است. این جنبش افزوده است: استقبال از هر صهیونیست قاتلی در کشورهای عربی و اسلامی خنجری از پشت به ملت فلسطین محسوب می‌شود. این جنبش در بخش دیگری از بیانیه خود امضای توافقنامه‌های همکاری



تحمیل خواسته‌های خود به فلسطینیان است. این در حالی است که ما خواستار تشکیل دولت مستقل فلسطین به پایتختی قدس هستیم. بر اساس آنچه که گفته شد، رژیم صهیونیستی در تلاش است تا با تثبیت حضورش در مغرب، خود را بیش از پیش به الجزایر نزدیک سازد و دست به فتنه انگیزی در این کشور بزند.

در نقطه مقابل، مغرب نیز با پذیرایی و استقبال گرم از صهیونیست‌ها به دنبال تحقق اهدافی است که مهمتری آنها جلب رضایت ایالات متحده آمریکا است. در واقع، آمریکایی‌ها هرگونه ارتباط با مغرب و فروش تسلیحات به این کشور را منوط به تقویت روابط آن را رژیم صهیونیستی کرده‌اند. درست به همین دلیل است که مقامات مغرب در صدد تقویت بیش از پیش روابط با تل آویو برآمده‌اند.

به هر حال، آنچه که واضح به نظر می‌رسد این است که مغرب و دیگر عادی سازان روابط در جهان عرب و کشورهای آفریقایی به اهداف از پیش تعیین شده خود از رهگذر عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی دست پیدا خواهند کرد، چرا که رویکرد تمامیت خواهانه و سلطه جویانه تل آویو اساساً اجازه نمی‌دهد آنها دستاوردی را برای خود محقق سازند.

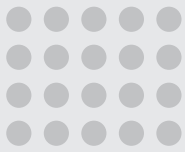
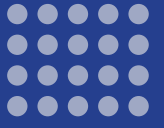
بر اساس توافقنامه‌های امضا شده میان رژیم صهیونیستی و مغرب قرار است تل آویو سامانه موشکی «گنبد آهنین» خود را در اختیار مغرب قرار دهد. این اتفاق پس از آن رخ می‌دهد که ایالات متحده آمریکا چند ماه پیش به دلیل مشکلات فنی متعدد سامانه گنبد آهنین، از خریداری این سامانه از صهیونیست‌ها منصرف شد.

بر اساس توافقنامه‌هایی که دو طرف با یکدیگر امضا کرده‌اند، قرار است مغرب از رژیم صهیونیستی بهیچاد نیز خریداری کند. بنابراین، رژیم صهیونیستی از رهگذر نزدیک شدن به مغرب و نیز پس از سفر اخیر بنی گانتز به این کشور توانست بخش عمده‌ای از تسلیحات خود را که کشورهای دیگر به خاطر ناکارآمدی این تسلیحات حاضر به دریافت آنها نیستند، به رباط بفروشد.

افزون بر آنچه که گفته شد، صهیونیست‌ها اهداف دیگری را از نزدیک شدن به مغرب دنبال می‌کنند و آن، ایجاد پایگاه نظامی در این کشور است. در واقع، رژیم صهیونیستی از این رهگذر می‌خواهد حضور نظامی خود در مغرب را برای بسط نفوذ در قاره سیاه تثبیت کند. به عبارت بهتر، صهیونیست‌ها در تلاش هستند تا از دروازه مغرب، جایگاهی را برای خود در سراسر قاره آفریقا بیابند. مقامات رژیم صهیونیستی همچنین به دنبال آن هستند تا تحرکات و اقدامات همسایه شرقی مغرب یعنی کشور الجزایر را نیز تحت کنترل خود داشته باشند.

الجزایر در طول سالیان اخیر ثابت کرده است که یکی از حامیان اصلی و اساسی مسأله فلسطین محسوب می‌شود. سخنان اخیر «عبدالمجید تبون» رئیس جمهور الجزایر در حمایت از مسأله فلسطین خود به تنهایی گواه بر این مدعاست. وی اخیراً در سخنانی تأکید کرده است: فلسطینیان تاکنون در مسیر مبارزه مشروع خود ثابت قدم مانده‌اند. آنها به دنبال بازپس گیری حقوق سلب شده خود هستند. الجزایر از ملت فلسطین برای بازپس گیری این حقوق حمایت به عمل می‌آورد.

تبون همچنین اظهار داشت که رژیم صهیونیستی با نقض قوانین بین المللی به دنبال



فصل ششم



ماراتن ۸ آذر؛ دوندگی آمریکا و اراده ایران

ادعای واشنگتن را به چالش می کشد و در تدارک فرصت‌های متعدد برای یادآوری این مسئله است که پیرو تصمیم دونالد ترامپ برای خروج از برجام، واشنگتن دیگر یکی از طرفین گفتگو با تهران تلقی نمی‌شود و موضع ما ادامه نشست‌ها در چارچوب ۴+۱ است.

اینکه ایران تمایل داشت پیش از تعیین تاریخ زمان از سرگیری گفتگوها در وین، در بروکسل با طرفین اروپایی دیدار کند، به طور نمادین ناظر بر این چشم انداز بود که تهران، ادامه بحث را ذیل پکیجی در ادامه روابط با اروپا قرار می‌دهد. برای همین هم بود که اتحادیه اروپا از تدارک نشست بروکسل امتناع کرد حال آنکه ایران در واکنش به این سنگ اندازی، برای رفع هر گونه تردید درباره موضع خود، به رویکرد دیگری متوسل شد. در واقع، سفرهای جداگانه «علی باقری»، معاون سیاسی وزارت خارجه ایران به انگلیس، فرانسه و آلمان با هدف تأکید بر اینکه «E۳ منتهای آمریکا» طرف گفتگوی ایران است، انجام شد.

فرانسه و ساز همیشه مخالف

قبل از حصول برجام در سال ۲۰۱۵، مأموریت از ریل خارج کردن قطار مذاکره با «لوران فابیوس» وزیر خارجه وقت فرانسه بود و او در مقام سخنگو، سقف توقعات طرف مقابل را به نمایش می‌گذاشت. در حد فاصل رفتن ترامپ تا روی کار آمدن جو بایدن دموکرات در کاخ سفید که تازه زمزمه‌های احیای برجام آغاز شده بود؛ این «هایکو ماس» وزیر خارجه آلمان بود که با توجه به دورنمای برلین برای عهده دار شدن نقشی بزرگ‌تر در عرصه جهانی، تریبون طرح توقعات برجامی اتحادیه اروپا را به دست گرفت اما اکنون در حدفاصل اتمام دوره زمامداری «انگلا مرکل» و روی کار آمدن صدراعظم جدید، این وظیفه بار دیگر به پاریس و این بار به «ژان ایو لودیریان» رئیس دستگاه دیپلماسی فرانسه واگذار شده است.

مریم خرمائی: هفته شلوغی را پشت سر گذاشتیم و هفته شلوغ تری را پیش رو داریم. «رابرت مالی» نماینده ویژه آمریکا در امور ایران تا ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان) در منطقه بود و خروجش همزمان شد با ورود «لویید آستین» وزیر دفاع آمریکا به بحرین. در همین حال، روز سه شنبه ۲۳ نوامبر (اول آذر) شاهد حضور «رافائل گروسی» مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تهران هستیم و به فاصله یک روز بعد، در بازه زمانی ۲۴ تا ۲۵ نوامبر (۳ و ۴ آذر) شاهد برگزاری نشست شورای حکام آژانس در وین خواهیم بود و همان شهر، چهار روز بعد، در ۲۹ نوامبر (۸ آذر) میزبان دور هفتم گفتگوهای احیای برجام است.

در این میان، از یک طرف، تماس‌های ایران با روسیه و چین و از طرف دیگر، تماس‌های آمریکا با همین ۲ کشور برقرار بود، حال آنکه فرانسه هم در عقب‌گردی آشکار به عادت معمول پیش از حصول برجام، مسئول چوب گذاشتن لای چرخ مذاکره به نفع تغییر مسیر به سمت بن بست‌های احتمالی شده است.

اما از این همه آمد و رفت و از این همه گفت و شنودها، حرف ایران همان است که پیشتر بود و در پنج شرط خلاصه می‌شود:

- خودداری از مذاکره درباره فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای
- پرداخت خسارت از سوی آمریکا در جبران بدعهدی پیشین
- برداشته شدن همه تحریم‌های وضع شده بعد از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵
- تضمین واشنگتن درباره عدم خروج مجدد از برجام
- راستی آزمایی قبل از توافق نهایی

اما لابی و دوندگی طرف مقابل برای به کرسی نشاندن کدام خواسته است به‌ویژه آنکه در کلیت گفت‌وگوها ارائه شده از سوی آنها که شامل آمریکا، اتحادیه اروپا و البته شورای همکاری خلیج فارس می‌شوند؛ فقط چند «کلیدواژه محوری» ارزش بحث کردن را دارد که البته از سوی ایران هم بی پاسخ نمانده است.

- عبارات کلیدی شامل این موارد است:
- مذاکرات غیرمستقیم
- ادامه بحث از نقطه اتمام دور ششم گفتگوهای وین
- تظاهر به مذاکره
- رسیدن به نقطه عدم بازگشت
- مناسبات منطقه‌ای یا تقویت گفتگوهای منطقه‌ای
- اکنون در سرفصل‌های جداگانه به بررسی هر یک از این کلیدواژه‌ها و نوع برخورد ایران با آنها می‌پردازیم.

آمریکا و ادعای حضور موازی در میز گفتگو

به همان اندازه که آمریکا تلاش می‌کند به توهم ۵+۱ رسمیت ببخشد و از عبارت «مذاکرات غیرمستقیم» برای چارچوب وین استفاده کند؛ به همان اندازه ایران هم این



اما سوال اصلی این است که غرب در پی کدام امتیاز حداکثری است؟

منطقه و چیدن میزهای جدید

چهارشنبه هفته پیش بود که اولین خروجی سفرهای منطقه‌ای رابرت مالی به صورت بیانیه مشترک با شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا بیرون آمد. عبارت‌های کلیدی این بیانیه شامل «توجه به دغدغه‌های جدی‌تر امنیتی در منطقه» و «ارتقای گفتگوهای منطقه‌ای» در پیوند با احیای برجام بود.

به دنبال آن، مالی در روز جمعه و در جریان کنفرانس امنیتی منامه، همین کلیدواژه را در قالبی دیگر عنوان کرد و مدعی شد: ایران دو راه بیشتر ندارد. ادامه تنش‌زایی هسته‌ای و بحران یا بازگشت دوجانبه به برجام و ایجاد فرصت برای «ارتباطات منطقه‌ای»، اقتصادی و دیپلماتیک.

بعد در پیامی توثیقی، بار دیگر همین کلیدواژه را با رنگ و لعابی فریبنده‌تر، تکرار کرد: ریشه غالب اختلال‌ها در خاورمیانه، کنار گذاشتن ایران از «مناسبات منطقه‌ای» و واکنش منفعت طلبانه ایران به آن است.

اگر کلید واژه «مناسبات منطقه‌ای» را در کنار ادعای «ند پرایس» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بگذاریم که گفته بود برجام مبنایی برای مذاکره درباره سایر موضوعات است، به چشم انداز روشنی از سقف توقعات آمریکا و شرکایش می‌رسیم.

خبرگزاری مهر بهمن ۹۹ در گزارشی با عنوان «پشت پرده سیاست برجامی بایدن / نظم امنیتی منطقه و رابطه تهران-ریاض به دورنمایی از این چشم انداز اشاره کرده بود.

در این چشم‌انداز سعی می‌شود با گفتگوهای وین مشروط به حضور کشورهای عرب خلیج فارس شود یا اینکه خواسته‌های امنیتی واشنگتن (شامل برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای) در روندی جداگانه و پشت میز مذاکره مستقیم اعضای منطقه و ایران برآورده شود.

روز دوشنبه اول آذر ماه، «سعید خطیب زاده»، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران به این ادعا هم پاسخ داد و گفت: آنچه در وین انجام می‌شود، تمرکز بر رفع تحریم‌ها علیه ایران است. اگر کشورهای حوزه خلیج فارس فکر می‌کنند گفت‌وگویی متفاوت داریم، باید این موضوع را بشنوند. درباره وین و منطقه دستور کار ما روشن است.

این اظهارنظر یعنی آنهایی که آن سوی میز مذاکرات وین هستند، نباید سقف توقعات خود را از خط قرمزهای ایران بالاتر ببرند (که یکی از آنها برنامه دفاع موشکی است)؛ یا اگر فرضاً عربستان و امارات خواستار بیخ‌زدایی از رابطه هستند؛ ایران استقبال می‌کند، اما در چارچوبی متفاوت که مبتنی بر حق همسایگی است و به این شرط که آنها مطالبات خود را از روی نسخه‌ای که آمریکا برایشان پیچیده، روخوانی نکنند.

فعلاً تهران میزبان رافائل گروسی مدیرکل اژانس انرژی اتمی است با این هشدار که امیدوار است سفر او مثل دوره‌های قبل سازنده باشد و از وسوسه فرانسوی‌ها برای سیاسی کردن جایگاهش بپرهیزد. در ماراتن باقی‌مانده تا ۸ آذر، تنها ایران است که نمی‌دود، چراکه حرف آخر را که «رفع همه تحریم‌ها است»؛ همان ابتدا زده و حضورش پای میز مذاکره برای آن است که ببیند طرف مقابل چقدر خود را با این واقعیت سازگار کرده است.

لودریان مسئول تأکید بر ۲ عبارت کلیدی است که البته یکی از آنها یعنی «لزوم ادامه بحث از نقطه اتمام دور ششم گفتگوهای وین» پرتکرارتر است. آنچه در ۶ دور مذاکرات وین دنبال می‌شد؛ رویکرد آمریکا مبنی بر لغو «تحریم‌های ناسازگار» با برجام بود، اما تأکید دولت جدید ایران بر «اجرای بدون کم و کاست برجام طبق توافق انجام گرفته در ۲۰۱۵» به این به معنا است که «تمام تحریم‌های دوره ترامپ» باید لغو شود، حتی آنهایی که برای اعمال فشار بر تهران، ذیل برچسب تروریسم و حقوق بشر گنجانده شد تا صعب‌العبور باشند.

پاسخ باقری مبنی بر اینکه «نقطه شروع دور هفتم، لغو همه تحریم‌های غیرقانونی است»، ناظر بر ادعای تکراری لودریان است.

ژست مذاکره: از طرف چه کسی؟

اما لودریان فقط یک بار از عبارت کلیدی «تظاهر به مذاکره» هم استفاده کرد و مدعی شد اگر ایران با چنین موضعی پای میز مذاکره بیاید؛ برجام برای طرف غربی عاری از محتوا خواهد شد. این ادعا در کنار کلیدواژه به کار رفته از سوی رابرت مالی مفهوم پیدا می‌کند که گفته بود ایران با توجه به ابعاد غنی سازی «به نقطه بدون بازگشت برای احیای برجام» نزدیک شده است حال آنکه این ادعا هم به نوبه خود ناظر بر گزارش «رویترز» است مبنی بر اینکه یک راه برای اعمال فشار بر ایران این است که بتوان «چین و روسیه» را مجاب کرد که «این تهران است که مانع ادامه مسیر است نه واشنگتن با این حساب، این طرف غربی است که به رغم اصرار برای ورود به دور هفتم، فقط ژست مذاکره می‌گیرد و هیچ تمایلی به نتیجه گرفتن از آن ندارد، چراکه چشم‌انداز خود را روی گرفتن امتیازهای حداکثری متمرکز کرده است و همچنان با اهرم ناکارآمد «فشار حداکثری» پیش می‌رود. رایزنی‌های رابرت مالی با چین و روسیه هم که با شعار «همسو شدن با شرکا» انجام شد؛ در همین راستا قابل ارزیابی است.

بایدن در بن بست وین

عاقبت بازی با همه کارت‌های روی میز

که چه بشود؟ برای اینکه به طرفین برجام بگوید سو نیت از طرف ایران است. بلکه، بایدن به دنبال معکوس کردن روایت واقعی «خروج یک جانبه آمریکا از برجام» به روایت جعلی «عدم اشتیاق ایران برای اجرای توافق اولیه است» تا به این ترتیب، جای شاک و متهم را عوض کند و برای تشدید فشارها علیه تهران به اجماع نظر برسد. در این مسیر، اروپایی‌ها تا حد زیادی با او همراه هستند. اما سوال این است که آیا می‌تواند چین و روسیه را راضی کند؟

بازی با گزینه‌ها یا وقت کنشی در دور باطل؟

فراموش نکنیم که در حال حاضر، شرایط با ۲۰۱۵ متفاوت است و رابطه آمریکا به ویژه با چین بسیار پر تنش. هیئت نمایندگی چین در وین، روز جمعه، از مواضع دوگانه آمریکا انتقاد کرد و گفت «چرا آمریکا و انگلیس می‌گویند ایران نمی‌تواند اورانیوم غنی شده بالای ۳.۷ درصد تولید کند، در حالی که از سوی دیگر آشکارا و مستقیم چند تن اورانیوم با غنای بالای ۹۰ درصد را به استرالیا منتقل می‌کنند». با چنین استدلالی، بایدن برای قانع کردن پکن به همکاری با مواضع ضدایرانی خود، فاصله زیادی دارد.

اما اگر آمریکا نتواند برای بازگشت به برجام با ایران به تفاهم برسد و از سوی، از همراهی چین و روسیه هم محروم بماند؛ به چه ترفندهایی روی خواهد آورد؟ تقریباً از ماه اکتبر به این سو، با ادعای «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه آمریکا، عبارت «همه گزینه‌ها روی میز است» وارد ادبیات واشنگتن در تقابل جویی با تهران شد. اشتباه نکنید؛ اصلاً گزینه نظامی در بین نیست. نهایت آنکه فعلاً به برجام برمی‌گردند اما این بین به اقداماتی ناخوشایند متوسل می‌شوند.

مثلاً «رپرت مالی» نماینده آمریکا در امور ایران، روز شنبه به رادیو «ان پی آر» گفته بود: چنانچه ما به توافق برنگردیم و اگر ایران آماده نباشد، آنها (اسرائیل) از ما خواسته‌اند که همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشیم که البته این مسئله خواسته ما نیز هست.

بله، اقدام تلافی جویانه آمریکا می‌تواند تا حدی منطبق با الگوی پیشنه‌های از سوی «دنيس راس» مشاور سابق سیاست خارجی واشنگتن، شامل چراغ سبز نشان دادن به رژیم صهیونیستی برای انجام اقدامات خرابکارانه، اعمال تحریم‌های اقتصادی بیشتر برای تنگ کردن وضعیت معیشتی و حتی تحریک به ناآرامی در داخل ایران باشد - ابزارهایی که ایران به کلنچار رفتن با آنها خو گرفته است.

از سوی، آمریکا همزمان با بازی با اهرم فشار، راه باریک دیپلماسی را باز نگه می‌دارد چرا که می‌داند تنها راه برون رفت از این دور باطل همین است. اگر قرار به باور رجزخوانی‌ها بود؛ موضع سرسختانه ایران در قبال مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی می‌توانست به صدور قطعنامه علیه ایران در شورای حکام منجر شود که نشد. این یعنی آمریکا در بن بست است.



دور هفتم مذاکرات وین پس از پنج ماه و ۹ روز وقفه بالاخره بعد از ظهر امروز دوشنبه ۸ آذر، آغاز شد؛ وقفه‌ای که دلیل اصلی آن انتقال قدرت در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران بود اما واشنگتن و شرکای اروپایی نفع خود را در آن دیدند که عمدی جلوه اش دهند.

این طور شد که در ترازوی محاسبه آمریکا، این «وقفه پنج ماهه» هم سنگ «خروج یک جانبه واشنگتن از برجام» تلقی شد تا وزن بدهی آمریکا پایین بیاید و این ادعا که می‌گوید «این بار ما مشتاق هستیم اما ایران یا پیش نمی‌گذارد»؛ خریدار پیدا کند. خط اصلی آمریکا و تروئیکای اروپایی که ذیل عنوان «شراکت فرآتلانتیکی» در دوره پساترamp متحد شده‌اند؛ در مذاکرات پیش رو که میان ایران و ۴+۱ برگزار می‌شود، همین خواهد بود؛ اینکه طرف ایرانی مطالبات غیر معقولی دارد؛ به پیشنهادهای (به اصطلاح) سخاوتمندانه پاسخ منفی می‌دهد و به اندازه آمریکا برای اجرای برجام مشتاق نیست.

مطالبات ایران با توجه به تجربه‌های قبلی این کشور و ادعاهای دولت فعلی آمریکا مطرح می‌شود. این تجربه که واشنگتن یک بار از توافقی که مهر جامعه بین الملل را داشت؛ خارج شد پس عقل و عرف حکم می‌کند که این بار ایران «تضمین» بخواهد. از سوی دیگر، مگر نه اینکه بایدن دموکرات خود را متمایز از ترامپ جمهوریخواه می‌بیند و همه خطاهای گذشته را به او نسبت می‌دهد؛ پس چه چیز او را از «برچیدن» تحریم‌های وضع شده از سوی سلف خطا کارش باز می‌دارد؟

پاسخ دولت واشنگتن به این سوال قطعاً «قوانین داخلی آمریکا» و قدرت بازدارندگی «مجلس سنا» است که در سال ۲۰۱۵ نیز برجام را در قالب «معاهده» نپذیرفت که اگر چنین کرده بود تسلیم بدهدتری ترامپ باطل می‌شد.

توافق موقت؛ جذاب اما جعلی

اما بایدن که تا این حد از قدرت سنا بیم دارد؛ چرا قرار است آن طور که «فرانس پرس» یا «پولیتیکو» روایت می‌کنند؛ با پیشنهاد یک «توافق موقت» تیم واشنگتن را میهمان ناخوانده مذاکرات وین کند؟ چنین پیشنهادی از سوی جمهوریخواهان دواتشه سنا و حتی دموکرات‌های تندرویی چون «باب مندز» رئیس کمیته روابط خارجی این نهاد می‌تواند به منزله کوتاه آمدن در مقابل تهران تلقی شود و به انتقادهای داخلی از کاخ سفید دامن بزند.

طرح این پیشنهاد بیشتر از آن جهت است که آمریکا می‌داند ایران به آن روی خوش نشان نخواهد داد چرا که تهران قرار نیست به حداقل‌ها رضایت بدهد. از سوی، این پیشنهاد چندان هم سخاوتمندانه نیست و ظاهراً رفع حداقلی محدودیت‌ها را به ازای توقف حساس‌ترین بخش‌های فعالیت هسته‌ای ایران، مطالبه می‌کند. مثلاً ایران در مقابل توقف غنی سازی ۶۰ درصدی از افزایش فروش نفت برخوردار خواهد شد!

در واقع، این توافق موقت راه میانبری است تا آمریکا برای گریز به موضوعات غیر مرتبط همچون برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، زمان بخرد. اما چرا با وجود نارضایتی جمهوریخواهان آمریکا از یک سو و بی میلی ایران از سوی دیگر، حرف ارائه چنین پیشنهادی سر زبان‌ها افتاده است؟ جواب واضح است؛ چون آمریکا در ادامه خط بدهکار کردن و غیر مشتاق نشان دادن ایران، به دنبال «تظاهر حد اکثری» است. تظاهر به چه؟ به اینکه من همه تلاش‌م را کردم و ایران راضی نشد.



«لوان جاگاریان» سفیر روسیه در ایران: مطالبه ایران برای ضمانت گرفتن از آمریکا بسیار منطقی است

که در آینده آمریکایی‌ها همان اقدامی را که در گذشته مرتکب شدند؛ انجام ندهند. طرف ایرانی همچنین خواهان برخی تضمین‌ها از سوی شرکت‌های اروپایی است که تعهداتشان را طبق قرارداد اجرا و تکمیل کنند و این خواسته‌ها کاملاً معقول است.

ما هم از دوستان ایرانی، انتظاراتی داریم و در همراهی با دوستان چینی، این پیام را در طول ویدئو کنفرانسی که در ۱۵ نوامبر در سطح معاونان وزات خارجه (سه کشور داشتیم)، منتقل کردیم. صادقانه مشتاق حصول نتایج مثبت‌تر در همکاری میان ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی هستیم.

بعضی‌ها این اظهارنظر را مطرح می‌کنند که مسکو مشتاق حصول نتیجه نهایی نیست و نقش روسیه منفی جلوه داده می‌شود؛ اما این صحیح نیست. روسیه از همان ابتدا هم نقشی سازنده داشت و ما تلاش زیادی به خرج دادیم تا توافق اولیه ای که در سال ۲۰۱۵ حاصل شد؛ احیا شود و به کارمان هم ادامه می‌دهیم.

***سوال دوم درباره تنش‌های اخیر میان دو کشور همسایه ایران، یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. تنش‌ها میان دو کشور دوباره بالا گرفته و شاهد درگیری‌های مرزی پراکنده بوده‌ایم. آیا روسیه طرح خاصی برای حل تنش‌ها میان این دو کشور دارد؟**

پیش از همه، دوست دارم بر این نکته تأکید کنم که ارمنستان، متحد نظامی ما و جمهوری آذربایجان، شریک راهبردی ما است و روسیه رابطه بسیار خوبی با هر دو کشور دارد که این شامل روابط ولادیمیر پوتین با سران آذربایجان و ارمنستان هم می‌شود. تأکید و یادآوری می‌کنم که سال گذشته، روسیه نقش فعال و کلیدی در توقف درگیری‌ها بعد از وقوع جنگ ۴۴ روزه میان دو کشور داشت و ما نیروهای حافظ صلح خود را (به منطقه تحت مناقشه) اعزام کردیم. تلاش زیادی می‌کنیم تا بر آتش بس نظارت داشته باشیم و به حفظ ثبات در منطقه و میان دو کشور کمک کنیم.

هفتمین دور از مذاکرات وین دیروز دوشنبه در ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه به وقت ایران آغاز شد. این در حالی است که دولت جدید ایران می‌گوید با عزم و اراده جدی وارد مذاکره شده و طرف‌های مقابل باید این پنجره فرصت را مغتنم بشمرند چون تا ابد باز نخواهد ماند.

موضوع اصلی مذاکرات وین بررسی «پیامدهای ناشی از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام» است و این پیامدها هم منحصر به رفع «تحریم‌های» وضع شده آمریکا علیه ایران خواهد بود. درحالی که تا پیش از آغاز دور هفتم مذاکرات، طرفین اروپایی می‌کوشیدند مطالبات حداکثری ایران را نامعقول جلوه دهند؛ «لوان جاگاریان» سفیر روسیه در تهران، در گفتگو با «تهران تایمز» تأکید می‌کند که خواست ایران مبنی بر گرفتن ضمانت‌هایی از آمریکا یا طرفین اروپایی با توجه به بدعهدی‌هایی که در گذشته شده، کاملاً منطقی است.

علاوه بر مذاکرات وین، دیگر موضوعات منطقه‌ای و دوجانبه مهم مانند تنش‌های اخیر میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان، سند همکاری بلندمدت ایران و روسیه، رژیم حقوقی دریای خزر و تحولات سوریه از جمله مسائلی بود که در جریان مصاحبه تهران تایمز با سفیر روسیه مطرح شد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

***نخستین سوال درباره مذاکرات وین است که از روز دوشنبه در پایتخت اتریش آغاز شد. در تماس تلفنی که در ۱۶ نوامبر، میان رؤسای جمهور ایران و روسیه انجام شد؛ ولادیمیر پوتین ابراز امیدواری کرد که همه طرفین توافق هسته‌ای از عزم سیاسی کافی برای به سرانجام رساندن مذاکرات وین برخوردار باشند. نگاه روسیه به این مذاکرات چگونه است و آیا روسیه به لزوم حصول نتیجه در اسرع وقت باور دارد؟**

البته، در گفتگوی تلفنی میان رؤسای جمهور دو کشور به مسئله هسته‌ای پرداخته شد که نه تنها برای ایران و روسیه، بلکه برای منطقه و حتی برای جهان مهم است چرا که می‌تواند به برقراری ثبات پایدار در منطقه بینجامد.

اول آنکه، وضعیتی که اخیراً پیرامون برجام به وجود آمده محصول سیاست مخرب دولت قبلی آمریکا است. طرف ایرانی از همان آغاز برجام به تعهدات خود پایبند بود و به لحاظ شفافیت، یکی از کشورهایی است که ذیل این توافق، بیشترین راستی آزمایی‌ها را تجربه کرد. متأسفانه، دولت آمریکا آشکارا الزامات بین المللی خود و همچنین قوانین بین المللی را نقض کرد.

ایرانی‌ها تلاش کردند به تعهداتشان پایبند بمانند حال آنکه در نهایت، تهران تصمیم گرفت (در مواجهه با بدعهدی آمریکا) از تعهدات قبلی عقب نشینی کند. البته، روسیه از وضعیت جاری بسیار نگران بود و برای همین هم هست که گفتگوها در وین از سر گرفته شد و دور ششم در ۲۰ ژوئن و بعد از حصول توافق‌های بسیار مهم از جانب هر دو (ایران و آمریکا) پایان یافت.

خوشبختانه، اکنون همه طرفین و پیش از همه، ایران با از سرگیری مذاکرات در ۲۹ نوامبر (۸ آذر) موافق هستند و امیدواریم که این گفتگوها را بر مبنای توافقات به دست آمده در ۲۰ ژوئن ادامه دهیم چرا که کارهای زیادی از سوی همه طرفین از جمله ایران در شش دور قبل انجام گرفت و این گفتگوها محصل بسیار خوبی داشت.

برخی از خواسته‌های ایران بسیار منطقی است. برای مثال، طرف ایرانی خواستار این ضمانت است



در ۲۶ نوامبر، سران روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان گفتگوهایی سه جانبه داشتند و درباره شماری از مسائل حیاتی توافق کردند که نخستین مورد، برقراری ساز و کاری برای تعیین مرزها و حدود میان دو کشور است و طرفین توافق کردند که این کار را تا انتهای سال به نتیجه برسانند. دومین مورد، مسئله بسیار حساس مرتبط با امور بشردوستانه است و مورد آخر هم این است که سران سه کشور، گفتگوهایی عمیقی درباره مسائل اقتصادی و توسعه روابط اقتصادی داشتند و درباره رفع انسداد کریدورهای مسافرتی هم صحبت کردند.

روسیه همچنین به دنبال آن است که ساز و کاری برای ایجاد نوعی از اعتماد میان این دو کشور معرفی کند و در چارچوب ۳+۳ (شامل روسیه، ایران، ترکیه به اضافه گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان) به راه حلی سیاسی دست یابد. روسیه پیشنهاد داده تا به میزبانی مسکو،

بیش از همه، می‌خواهم یادآوری کنم که سند قبلی یا به عبارتی همین سند فعلی در مارس ۲۰۰۱ در مسکو و در زمانی امضا شد که من به عنوان مشاور در میز ایران (وزارت خارجه روسیه) مشغول به کار بودم و با همکارانم به طور مستقیم در آماده کردن این سند مشارکت داشتیم. در آن مقطع، مترجم مذاکرات میان رؤسای جمهور وقت دو کشور نیز بودم. اکنون، ۲۰ سال گذشته. شاید دیگر وقت آن رسیده که با توجه به واقعیت‌های جدید، این سند را به روز رسانی کنیم. منتظریم که دوستان ایرانی این سند را جمع بندی کنند و آمادگی داریم که هرچه زودتر آن را تحویل بگیریم.

*تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران در اکتبر ۲۰۲۰ ذیل مفاد توافق برجام پایان یافت. آیا ایران و روسیه برنامه‌ای برای تجارت تسلیحاتی دارند و آیا روسیه از زمان رفع این تحریم‌ها، تسلیحاتی به ایران فروخته است؟ در آینده چه طور؟

جواب شما را مختصر می‌دهم. اول آنکه حق با شما است. این تحریم تسلیحاتی در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ منقضی شد و اکنون هیچ مشکلی برای فروش هرگونه تسلیحاتی به جمهوری اسلامی ایران نداریم؛ البته با در نظر گرفتن مواردی چون مسائل منع اشاعه و برخی مسائل مربوط به کنترل صادرات و از این قبیل موارد. بار دیگر، آماده‌ایم که با دقت بسیار همه پیشنهادها را برای ایران بررسی کنیم. مشکلی نیست چرا که در حال حاضر، این (تجارت) قانونی است حال آنکه باید یک بار دیگر تاکید کنیم که هر تحریم یکجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران غیر قانونی است.

*تازه‌ترین تحولات درباره مذاکرات ایران و روسیه پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر چیست و دیدگاه مسکو در این زمینه چگونه است؟

می‌دانید که به این موضوع در تازه‌ترین گفتگوی تلفنی میان رؤسای جمهور دو کشور اشاره شد و ما هر از گاهی هماهنگ می‌کنیم که این مسئله را در گفتگو با دوستان ایرانی مطرح کنیم. می‌دانیم که این مسئله تا حدودی برای ایران حساس است. در ۲۰۱۸ در «آکتاو» قزاقستان، رژیم حقوقی دریای خزر امضا شد و ایران تنها کشوری است که این سند را تصویب نکرده است و تا جایی که من می‌دانم، گفتگوهای داخلی (برای تصویب آن) در جریان است. از دوستان ایرانی انتظار داریم که یک بار دیگر، با دقت این مسئله را بررسی کنند و به دیگر کشورهای بیبوندند که آن را تصویب کرده‌اند چرا که این موضوع مهمی است حال آنکه البته به طور جداگانه هم می‌توانیم درباره برخی مسائل دیگر بحث کنیم. برای مثال، خطوط مبدأ. در حال حاضر، مشغول تدارک مذاکرات میان پنج کشور ساحلی دریای خزر هستیم؛ منظورم (در سطح) کارگروه در مسکو است. صحبت می‌کنیم که این مذاکرات در زمانی که برای همه کشورهای حاشیه دریای خزر مناسب است؛ برگزار شود و روسیه هم آمادگی میزبانی از آن را در ماه آینده دارد.

*به دیدار اخیر وزیر خارجه امارات به سوریه هم اشاره‌ای بکنیم. برخی محافل عربی مدعی هستند که این اقدامات در راستای کاهش نفوذ ایران و با حمایت ضمنی روسیه انجام می‌شود. نظر شما چیست؟

می‌دانید، این دیدار بسیار مهم است. ما هم تلاش می‌کنیم همه شرکایمان را متقاعد کنیم که در برقراری رابطه با دولت مشروع سوریه فعال‌تر باشند و به بازگشت این کشور و شهر دمشق به خانواده عرب کمک کنند. ما هم مواضع مشابهی با دوستان ایرانی مان داریم. مشارکت کشورهای عربی در راستای بازسازی سوریه و اقتصاد آن از حساسیت بالایی برخوردار است. در حال بررسی امکان استفاده از راه‌های ترانزیتی سوریه برای انتقال برق از اردن و گاز از مصر به لبنان هستیم. مکالمه تلفنی مهمی هم میان عبدالله دوم پادشاه اردن و بشار اسد رئیس جمهور سوریه داشتیم. بر این باور هستیم که این اقدامات بسیار مفید هستند و به کاهش حضور روسیه و ایران در سوریه منجر نمی‌شوند. می‌خواهم تاکید کنم که فقط نیروهای ما در سوریه حضور مشروع دارند چون به دعوت دولت مشروع دمشق آنجا هستند.

*به عنوان آخرین سوال، واکنش شما به اتهام اخیر مبنی بر اینکه روسیه در همراهی با چین، برای توسعه میدان گازی «چالوس»، توافق گازی با ایران منعقد کرده‌اند؛ چیست؟ چه اهدافی پشت پرده این اتهامات است؟

ما با خیلی از این اتهام‌های غلط و بی‌اساس سر و کار داریم. سفارت روسیه در تهران هم به این اتهام واکنش نشان داد و چنین اتهامات کذبی از سوی آنها منتشر می‌شود که مخالف روابط دوستانه میان کشورهایمان هستند. صحبت‌های ما با ایرانی‌ها کاملاً شفاف و توأم با سود متقابل است.

به گمان من این اتهام شاید از سوی سرویس‌های ویژه آمریکا دامن زده می‌شود چرا که دلیل اصلی اشاعه چنین اتهامات کذبی، ایجاد شکاف میان کشورهای دوست است حال آنکه هیچ توفیقی هم نصیبشان نمی‌شود و این قبیل اقدامات محکوم به شکست هستند.



نشستی در سطح معاونان وزارت خارجه پنج کشور (مشترک برای این طرح) برگزار شود. متأسفانه در حال حاضر، بنا به برخی دلایل سیاسی، گرجستانی‌ها آمادگی ندارند حال آنکه در گفتگو همچنان باز است. حتی اگر الان نشود، شاید در آینده همکاران گرجستانی هم به این روند ملحق شوند چرا که بسیار مهم است. برای همین است که در رابطه با این موضوع، در نقش یک واسطه صادق ظاهر می‌شویم و موضع متوازن ایران را هم تحسین می‌کنیم. ایران روابط بسیار دوستانه‌ای با جمهوری آذربایجان و ارمنستان دارد و هر دو کشور هم به ایران اعتماد دارند.

*سوال بعدی در رابطه با مکالمه‌ای است که میان رؤسای جمهور ایران و روسیه برقرار شد. ولادیمیر پوتین از تهیه پیش نویس سند همکاری بلندمدت میان دو کشور حمایت کرد. پیشتر، مقامات ایران گفته بودند که صحبت‌هایی درباره این سند انجام شده است. تازه‌ترین پیشرفت‌ها در رابطه با این سند چیست؟



چانگ هوا سفیر چین در ایران:

آمریکا باید تحریم‌های غیرقانونی بر ضد ایران را برچیند



تجاری تهران است. این خواسته ایران را چطور ارزیابی می‌نمایید؟

چین معتقد است که تشخیص درست از نادرست، پیش نیاز اولیه برای انجام منظم مذاکرات است. آمریکا به عنوان مقصر بحران هسته‌ای کنونی ایران، طبیعتاً باید تمامی تحریم‌های غیرقانونی یکجانبه بر ضد ایران و طرف‌های ثالث از جمله چین را برچیند تا با اقدامات ملموس، اعتماد جامعه بین‌المللی را دوباره به دست آورد. بر این اساس، ایران پایبندی به تعهداتش را از سر خواهد گرفت. همه طرف‌ها باید متعهد به احترام متقابل باشند، به دنبال نتایج برد-برد باشند، تعادل بین حق و حقوق و الزامات و تعهدات طرف‌ها را برقرار سازند و صلح و ثبات منطقه‌ای را ارتقا دهند. چین خواسته‌های مشروع ایران را درک می‌کند و از ایران در حفظ حقوق و منافع قانونی اش حمایت می‌کند. حقوق و منافع همه طرف‌ها در انجام همکاری‌های عادی اقتصادی و تجاری با ایران باید رعایت شود. چین مانند همیشه از حقوق و منافع مشروع و قانونی خود در مورد برچیندن تحریم‌ها و سایر جنبه‌ها، محافظت خواهد کرد.

***آمریکا و کشورهای غربی آنطور که گفته می‌شود درباره طرح جایگزین یا اصطلاحاً «پلن بی» (Plan B) در صورت شکست مذاکرات، سخن به میان آورده‌اند. ایران معتقد است که بررسی گزینه‌های جایگزین در حال حاضر سازنده نیست، نوعی اتلاف وقت و مذاکره برای مذاکره است. نظر شما در این باره چیست؟ آیا چین از بحث طرح‌های جایگزین حمایت می‌کند؟**

بیمان یزدانی: «چانگ هوا» سفیر چین در ایران طی مصاحبه‌ای با خبرنگار مهر درباره گفتگوهای اخیر بین ایران و کشورهای ۱+۴ در وین پایتخت اتریش، اعلام کرد که پکن معتقد است تشخیص درست از نادرست، پیش نیاز اولیه برای انجام مذاکرات است. آمریکا به عنوان مقصر اصلی بحران فعلی هسته‌ای ایران باید طبیعتاً تمام تحریم‌های غیرقانونی و یکجانبه اعمال شده بر ایران و طرف‌های ثالث شامل چین را برچیند تا بتواند طی اقداماتی ملموس، اعتماد جامعه جهانی را مجدداً به دست آورد.

آنچه در زیر می‌آید متن کامل این گفتگو است:

***ایران مواضع سازنده‌ای در قبال موضوع هسته‌ای خود اتخاذ کرده و هیتی را برای شرکت در دور جدید مذاکرات جهت از سرگیری پایبندی به برجام اعزام کرده است. با این حال، آمریکا و کشورهای غربی همچنان از ایران به دلیل عدم جدیت کافی در مذاکرات، انتقاد می‌کنند. عملکرد ایران در مذاکرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اخیراً طرف ایرانی از «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس انرژی اتمی دعوت به عمل آورد تا به تهران بیاید و همچنین علی باقری معاون وزیر امور خارجه ایران در صدر هیئتی برای شرکت در دور جدیدی از مذاکرات عازم وین شد. چین از این سیگنال‌های مثبت استقبال می‌کند.

تمامی طرف‌ها از زمان از سرگیری دور جدید مذاکرات در ۲۹ نوامبر (۸ آذر)، رویکرد جدی خود را ابراز کرده‌اند. اگر چه هنوز تا رسیدن به موفقیت فاصله زیادی وجود دارد، پیشرفت مذاکرات این هفته را نباید دست کم گرفت. همه طرف‌ها بر اساس متن شش دور قبلی مذاکرات، درباره برچیندن تحریم‌ها و موضوعات هسته‌ای، گفتگوهای جامع و عمیقی انجام دادند. ایران اصلاحات کتبی را در مورد دو موضوع فوق ارائه کرد و سایر طرف‌ها بر این اساس با ایران تبادل نظر کردند. این تعاملات فشرده به سایر طرف‌ها کمک کرد تا درک خود را از موقعیت تیم مذاکره کننده دولت جدید ایران بالا ببرند.

حمایت از گفتگو و مذاکره، تنها راه صحیح برای حل مسئله هسته‌ای ایران است. همه طرف‌ها باید به راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک پایبند باشند، حسن نیت و انعطاف‌پذیری نشان دهند، به منافع یکدیگر احترام بگذارند، فضایی مناسب ایجاد کنند، مسائل باقی مانده را خلاقانه حل و فصل کنند، از بازگشت پایبندی کامل به توافق اصلی برجام اطمینان حاصل کنند و برجام را سریع به مسیر درست بازگردانند.

***ایران بارها تاکید کرده است که هدف اصلی این دور از مذاکرات، برچیندن تحریم‌های اعمال شده بر ضد ایران و عادی سازی روابط اقتصادی و**



رد مداخله، تضمینی اساسی برای ادامه مذاکرات در مسیر درست است. همه طرف‌ها باید برای ایجاد فضایی مثبت در این زمینه همکاری کنند.

طرف‌ها باید روحیه عمل‌گرایانه و همکاری داشته باشند، بی‌طرف و منطقی باقی بمانند و راه حلی قابل اجرا را دنبال کنند و از سخنان و اقدامات حاد اجتناب کنند. طرف‌ها نباید عمداً درباره «طرح‌های جایگزین» برای اعمال فشار، پیوند دادن امنیت منطقه‌ای و سایر موضوعات بی‌ربط با مذاکرات جهت از سرگیری پایبندی، و اتخاذ سخنان و اقدامات فزاینده‌ای که تلاش‌های دیپلماتیک را مختل می‌کند، بحث کنند. در حال حاضر، طرف‌ها باید ضمن وجود برخی اختلافات، به جهت سیاسی گفتگو و مذاکره پایبند باشند، روند مذاکره را با قاطعیت حفظ کنند، با تمرکز بر متن و اصلاحات برای پیشبرد روند مذاکره، به دنبال اجماع و گسترش آن باشند. طرف‌ها نباید بیش از حد بر تفاوت‌ها تأکید کنند، در غیر این صورت دچار واگرایی و اختلاف خواهند شد.

*سخنگوی وزارت خارجه چین از از سرگیری مذاکرات وین درباره موضوع هسته‌ای ایران استقبال کرد. موضع چین در این دور از مذاکرات چیست؟

با از سرگیری مذاکرات، حل و فصل سیاسی و دیپلماتیک موضوع هسته‌ای ایران با فرصتی جدید و همچنین چالش‌های دلهره‌آور جدیدی مواجه می‌شود. چین چهار پیشنهاد برای پیشبرد روند مذاکرات دارد.

اول اینکه ما باید منطق صحیح مذاکره را به کار بندیم. آمریکا به عنوان مقصر اصلی بحران هسته‌ای ایران باید طبیعتاً تمامی تحریم‌های غیرقانونی و یکجانبه بر ضد ایران و طرف‌های ثالث شامل چین را برچیند. بر این اساس، ایران پایبندی به تعهداتش در زمینه برنامه هسته‌ای را از سر خواهد گرفت. همه طرف‌ها باید انصاف و عدالت را رعایت کنند و شرایط را برای تحقق اهداف فوق ایجاد کنند.

دوم اینکه ما باید به حقوق، منافع و نگرانی‌های مشروع همه طرف‌ها احترام بگذاریم. مذاکره باید بر اساس احترام متقابل، به دنبال نتایج برد-برد، بازگرداندن تعادل بین حقوق و تعهدات طرفین و ارتقای صلح و ثبات منطقه باشد. حقوق و منافع همه طرف‌ها در انجام همکاری‌های عادی اقتصادی و تجاری با ایران باید رعایت شود.

سوم اینکه ما باید یک راهبرد مذاکره عملی و منعطف را اتخاذ کنیم. چین موافق است که روند فعلی باید بر اساس اجماع حاصل شده در مذاکرات گذشته پیش برود. در عین حال، ما باید به مشورت و گفتگو در شرایط مساوی پایبند باشیم، از خرد سیاسی استفاده کنیم، مسائل باقیمانده را خلاصانه حل کنیم و برای اینکه سریع به توافق برسیم، تلاش کنیم.

چهارم اینکه ما باید به مسیر راه حل سیاسی و دیپلماتیک پایبند باشیم. همه طرف‌ها باید بی‌طرف و منطقی باقی بمانند، از روند مذاکرات محافظت کنند و از اخلال در تلاش‌های دیپلماتیک از طریق سخنان و اقدامات حاد خودداری ورزند.

امروز، همه طرف‌ها توافق کردند که مذاکرات را به طور موقت به وقت دیگری موکول نمایند تا مذاکرات این هفته را ارزیابی و از پایتخت‌های مربوطه، دستورالعمل دریافت کنند. پکن امیدوار است که این امر انگیزه سیاسی جدیدی را به مذاکرات هفته آینده بدهد. در همین حال، چین همچنین امیدوار است که در طول این وقفه کوتاه، همه طرف‌های مربوطه به تلاش خود برای ایجاد فضای خوب مذاکره ادامه دهند.

*چین چه نقشی در پیشبرد روند این دور از مذاکرات ایفا کرده است؟

چین همواره و به طور قاطع به حفظ برجام متعهد بوده و برای ترویج و تشویق به از سرگیری مذاکرات تلاش کرده است. از ماه آگوست تاکنون، «شی جینپینگ» رئیس‌جمهور چین، به ترتیب با رؤسای جمهور ایران و آمریکا تماس گرفته است تا در مورد موضوع هسته‌ای ایران کار کنند و مسیر حل و فصل مناسب این موضوع را مشخص کرده است. «وانگ یی» مشاور دولت و وزیر امور خارجه چین با همه طرف‌ها جلسات متعدد ویدئو کنفرانس برگزار کرد و تماس‌های تلفنی گرفت و ایده‌ها و پیشنهادات خاصی را برای از سرگیری روند مذاکرات مطرح کرد. علاوه بر این، چین ارتباطات و هماهنگی فشرده‌ای را با طرف‌های اصلی از جمله روسیه، ایران، انگلیس، فرانسه، آلمان، آمریکا و اتحادیه اروپا در سطوح مختلف و از طریق ابزارهای متعدد برای از سرگیری زودهنگام و پیشرفت در مذاکرات انجام داده است. چین به تمرین چندجانبه‌گرایی واقعی ادامه خواهد داد، قاطعانه از روند از سرگیری مذاکرات مربوط به التزام و پایبندی (به تعهدات) حمایت کرده و نقش منحصر به فرد و سازنده‌ای ایفا می‌کند و با همه طرف‌ها برای دستیابی سریع به نتیجه، همکاری خواهد کرد.





مذاکرات وین / ایران یا تروئیکا دست چه کسی زیر میز است؟



خود را اعلام کرد و مدعی شد: از ایران انتظار داریم با پیشنهادات واقع بینانه به مذاکرات بازگرد. ما هنوز هم خواستار ادامه مسیر دیپلماتیک هستیم؛ اما زمان برای آن در حال اتمام است.

فردای آن روز، یعنی ۱۶ آذر ماه، نوبت فرانسه بود که همان موضع را با جمله بندی جدیدی اعلام کند: داده‌ها درباره این مذاکرات خیلی دلگرم کننده نیستند. احساس ما این است که ایرانی‌ها در پی کش دادن قضایا هستند. پیشنهادهای ایران در مذاکرات وین نه مبنای معقولی دارند نه تأمین کننده منافع تمام شرکت کنندگان در مذاکرات هستند. زمان به سرعت در حال سپری شدن است. در اینجا، شاهد مکث انگلیس به عنوان سومین طرف اروپایی میز مذاکرات و واگذاری تریبون به آمریکا به عنوان مهمان احتمالی این دور از گفتگوها بودیم که ظاهراً هنوز باور ندارد که با ابتکار عمل ترامپ و لجاجت بایدن، گروه ۵+۱ به تاریخ پیوسته و شرط احیای آن از نظر ایران، برچیدن همه تحریم‌ها است. با فراموش کردن این اصل، اول از همه «جو بایدن»، رئیس جمهور آمریکا در دیدار مجازی روز سه شنبه خود با «ولادیمیر پوتین» همتای روس، مدعی شد که «طرف ایرانی برای پیمودن مسیری که به ادامه سازنده مذاکرات وین و در نهایت حصول راه حل ختم شود»، آمادگی ندارد. بعد از طرح این ادعا، نوبت «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی کاخ سفید بود که مسیر وارونه نمایی حقیقت را دنبال کند؛ او هم به نوبه خود پشت تریبون رفت و مدعی شد: هرچه ایران در میز مذاکره عدم جدیت بیشتری از خود نشان دهد، به همان اندازه اتحاد بیشتری هم میان ۵+۱ حاصل می‌شود. بنابراین، توپ در زمین ایران است تا نشان دهد که آیا می‌خواهد جدی باشد یا خیر.

مذاکرات وین امروز پنج‌شنبه بعد از وقفه‌ای که کمتر از یک هفته طول کشید؛ دوباره از سر گرفته شد. پیش از توقف گفتگوها که از دوشنبه تا جمعه هفته گذشته ادامه داشت؛ ایران که خواستار حصول راه حلی جدی در راستای اجرای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ است؛ پیش‌نویس دو سند را به ۱+۱ ارائه داد که یکی مربوط به رفع تحریم‌ها و دیگری مربوط به اقدامات هسته‌ای است.

مکث تروئیکای اروپایی طرف برجام هم که با وعده احیای رابطه فرآتلانتیکی در دوره پساترامپ، ریشه ایجاد بن بست فعلی یعنی «خروج یک جانبه واشنگتن از توافق» و «محروم ماندن ایران از منافع وعده داده شده» را فراموش کرده است؛ از لحظه تحویل این دو سند آغاز شد.

سناریو نویسی در وقفه یک هفته‌ای

با اینکه ایران از همان ابتدا مشخص کرد که این پیش نویس‌ها محل مذاکره و رایزنی‌های بیشتر است؛ طرف غربی که حتی پیش از آغاز مذاکرات تصمیم خود را گرفته و برای کسب منافع حداکثری، به دنبال مقصر نمایی ایران بود؛ در اقدامی هماهنگ به وارونه نمایی حقیقت روی آورد که روند تدریجی آن به این شرح است:

در مرحله نخست و قبل از پایان کمیسیون مشترک برجام در جمعه گذشته، واسطه‌های رسانه‌ای آنها مدعی شدند که مذاکره شکست خورده چرا که اسناد ارائه شده از سوی ایران زیاد خواهانه است.

بلافاصله، امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه که در آن هنگام مشغول انجام تور خاورمیانه‌ای خود بود و در امارات به سر می‌برد، با ادعای به نتیجه نرسیدن گفتگوهای وین مدعی شد که این مذاکرات بدون در نظر گرفتن منافع کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی امکان ندارد به موفقیت برسد.

در همان روز جمعه و پس از پایان نشست کمیسیون مشترک، «انریکه مورا»، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که طرفین برای مشورت گرفتن، به پایتخت‌های خود باز می‌گردند و ادامه گفتگوها از هفته آتی از سر گرفته می‌شود.

از آنجا که ایجاد وقفه به درخواست اروپایی‌ها انجام شده بود؛ عدم تعیین تاریخ دقیق برای بازگشت به مذاکرات وین، سوال برانگیز شد.

تا چند روز، فضا سازی رسانه‌های طرف مقابل، بر مبنای تقاضاهای به ادعای غربی‌ها زیاد خواهانه ایران و تعجب اروپایی‌ها بود و سکوت کش‌دار آنها هم به التهاب وضعیت موجود می‌افزود. بعد، ناگهان در سطح رسانه‌ها، زمزمه‌هایی مطرح شد مبنی بر اینکه ایران از توافق‌های حاصل شده در ۶ دور گذشته مذاکرات وین فاصله گرفته است، اما طرفین غربی در پایتخت‌هایشان همچنان ساکت بودند تا اینکه بالاخره در بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۵ آذر ماه، وزارت خارجه آلمان، به عنوان یکی از سه کشور اروپایی طرف برجام، موضع رسمی



بعد از این ادعاها بود که «انریکه مورا»، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به آن مکث طولانی درباره تأیید تاریخ از سرگیری مذاکرات وین خاتمه داد و روز چهارشنبه در توییتی اعلام کرد: فردا به وین بازمی گردیم.

تازه آن موقع بود که نوبت اظهار نظر انگلیس رسید که عملاً پیشکار کاخ سفید است و همه تصمیم‌هایش را از روی دست شریک آمریکایی، روخوانی می‌کند. به این ترتیب، «لیز تراس»، وزیر خارجه انگلیس به صحنه آمد و مدعی شد: این آخرین شانس ایران برای امضای برجام است. به نفع آنها است که این کار را انجام بدهند. چراکه مصمم هستیم تا در همکاری با متحدانمان از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خودداری کنیم.

فرصت دفاع برای ایران؛ کدام برجام

اما منظور کدام برجام است؟ اصلاً حالا که به طرف غربی مهلت ارائه و تنظیم سناریوی تخیلی خود از مذاکرات وین را دادیم، خوب است حرف طرف ایرانی را هم بشنویم و بعد تصمیم بگیریم که این وسط چه کسی قصد دارد زیر میز بزند؟

نخست آنکه برخلاف آنچه آنها می‌گویند؛ ایران در مذاکرات جدی است، چراکه تنها طرف گفتگو بود که با پیشنهادهای مشخص پای میز مذاکره آمد و اگر چه در اسرع وقت به دنبال حصول توافقی جامع است؛ وقتی با مکث ظاهری طرف غربی مواجه شد؛ از دادن فرصت به طرف غربی برای بررسی بیشتر پیشنهادهای خود ابایی نداشت.

در مقابل، ایران انتظار دارد که طرف غربی نیز با واکنش فنی و عملی خود و با پرهیز از کلی‌گویی و گسترش جو اتهام و مقصرنمایی جدیتشان در مذاکره را نشان بدهند و با پیشنهادهای سازنده به میز مذاکره بازگردند.

ایران تا این لحظه، هیچ پیشنهاد سازنده و رو به جلویی را از طرف مقابل دریافت نکرده و این در تعارض با اعلام حضور جدی آنها در مذاکرات است.

برخلاف آنچه غربی‌ها می‌گویند، متن پیشنهادی ایران مبتنی و بر اساس پیش‌نویس ۶ دور قبل بوده و همان متن مبنا قرار گرفته و اصلاحات و پیشنهادهای مورد نظر ایران بر روی متن مشخص ارائه شده است. این پیشنهادهای از آن جهت که کاملاً منطبق بر برجام ارائه شده‌اند، طبیعتاً حداکثری نبوده و نیستند، اما متأسفانه رویکرد طرف مقابل نسبت به تعهداتش حداقلی است.

بدیهی است که نقطه نظرات ایران در ابعادی با نگاه و رویکرد طرف غربی تفاوت داشته باشد، اما مسئله آن است که آنها با چشم بستن به روی حقیقت، به دنبال بزرگ‌نمایی مسائل و زیاده‌خواه جلوه دادن ایران هستند. از سوی دیگر، آنچه در ۶ دور قبل تهیه شده پیش نویس است و در نتیجه قابل مذاکره است.

مبنای مذاکرات وین برجام ۲۰۱۵ است، اما طرف غربی با طرح ادعاهایی مثل دخیل

شدن کشورهای منطقه در روند گفتگو یا بسط دادن موضوع به برنامه موشکی ایران، به دنبال نسخه ۲۰۲۱ برجام هستند تا به ازای واگذاری حداقل امتیازها به تهران، منافع حداکثری خود را تأمین کنند.

با این حساب، برجام غیرقابل تغییر است و موضوع باز مذاکره مطرح نیست. پس، این طرف آمریکایی است که باید رفتار خود را متناسب با توافقی که پیشتر از سوی جامعه بین الملل تأیید شده؛ سازگار کند.

ایران تعهدات خود را انجام داده و کاهش برگشت پذیر آنها هم در پاسخ به بدعهدی طرف مقابل بوده است. آمریکا هم زمانی قادر به گفتگو با ایران در قالب گروه احیا شده ۵+۱ است که پیش از هر چیز تعهدات خود را انجام بدهد که لازمه آن برچیده شدن همه تحریم‌ها مطابق با توافق ۲۰۱۵ است.

با همه این اوصاف، ایران امروز در حالی پشت میز مذاکرات وین نشست که می‌داند دست طرف غربی زیر میز است یا آن‌طور که حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران در گفتگو با جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: «تردید داریم که آیا طرف غربی اصولاً آماده رفع تحریم‌ها است یا اینکه صرفاً به دنبال رفع یک طرفه نگرانی‌های خود است». در درستی اظهارات وی، همین بس که آمریکا هم‌زمان با ژست ادعایی برای نشان دادن حسن نیت، به دنبال تشدید روند اعمال تحریم علیه ایران است و از هم اکنون؛ آن‌طور که وال استریت ژورنال می‌گوید، ترکیب هیئت اعزامی برای ترغیب دیگر کشورها به قطع رابطه تجاری با ایران را مشخص کرده است.





نادر انتصار استاد دانشگاه آلابامای جنوبی:

آمریکا باید برای توافق پایدار با ایران جدی باشد



اما طرف مقابل در واقع دنبال برجام جدید ۲۰۲۱ است. شما این مطالبات بیش از حد را چگونه ارزیابی می کنید؟

در اینجا دو موضوع عمده مطرح است. اول و مهم‌تر از همه، ایالات متحده قصد ندارد به تعهدات خود در برجام عمل کند. در واقع، واشنگتن هرگز برجام را به عنوان یک توافق پایانی تلقی نکرده است، بلکه آن را به عنوان اولین گام برای افزایش فشار بر ایران از طریق گسترش پارامترهای توافق هسته‌ای در نظر گرفته است. ثانیاً، متن برجام طوری نوشته شده بود که به آمریکا فضای کافی برای تفسیر مجدد تعهدات خود داده است.

*** تیم جدید مذاکره کننده ایران خواستار تغییراتی در پیش نویس مفاد توافقی که در ۶ دور گذشته صورت گرفته بود، شده است اما اروپایی‌ها با این موضوع موافق نیستند. درخواست ایران را از نظر حقوقی چگونه ارزیابی می کنید؟ به نظر شما آیا پیش نویسی که امضاء نشده باشد الزام آور است؟**

هیچ پیش نویس قانونی الزام آور در این مورد وجود ندارد. تیم مذاکره کننده قبلی ایران و ۴+۱ پیش نویس‌هایی درباره موضوعات و موارد اختلافی که برای توافق نهایی احتمالی باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند، تهیه کردند.

اکنون دولت جدیدی در ایران وجود دارد که برنامه سیاست خارجی خود را دارد. من مطمئن نیستم که در شش دور گذشته مذاکرات در وین به اروپایی‌ها چه وعده‌هایی داده شده است، اما هر نکته‌ای که با آنها مذاکره شده و هر وعده‌ای که داده شده قطعاً از نظر قانونی الزام آور نیست. در بهترین حالت، آن پیش نویس‌ها می‌توانند توسط یک دولت در حال خروج و تیم مذاکره کننده آن به عنوان نقاط گفتگو در نظر گرفته شوند.

*** هرا میر ظفرجویان:** پس از یک وقفه پنج ماهه، نمایندگان ایران و گروه ۴+۱ شامل انگلیس، فرانسه، روسیه و چین به اضافه آلمان، در ۲۹ نوامبر، هفتمین دور مذاکرات را در وین آغاز کردند.

در این گفتگوها که اولین بار در دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی بود؛ هیئت ایرانی دو متن پیش نویس مفصل را ارائه کرد. یکی در مورد لغو تحریم‌های آمریکا و دیگری در مورد بازگشت ایران به تعهدات هسته‌ای خود در چارچوب برجام. مذاکرات فشرده پنج روزه در ۳ دسامبر پس از بازگشت دیپلمات‌ها برای مشورت بیشتر به پایتخت‌های خود با وقفه همراه شد.

اما، ایران و پنج طرف دیگر توافق هسته‌ای، روز پنجشنبه ۱۸ آذر، ادامه دور هفتم مذاکرات وین را از سر گرفتند. ایران بارها تاکید کرده است که در مذاکرات بسیار جدی است و ارائه اسناد نشان از جدیت کشور برای دستیابی به توافق دارد و اکنون نوبت دیگر طرف‌هاست که عزم خود را نشان دهند.

برای اطلاع بیشتر در مورد این موضوع، با «نادر انتصار» استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی گفتگو کردیم که متن کامل این مصاحبه در ادامه آمده است.

*** در حالی که ایران بارها عنوان کرده که برای یک توافق خوب آماده است، غربی‌ها ایران را به دلیل جدی نبودن برای دستیابی به توافق سرزنش می کنند. نظر شما در این رابطه چیست و به نظر شما یک «توافق خوب» از دیدگاه آمریکا و متحدانش، چگونه توافقی می تواند باشد؟**

غربی‌ها بسیار ناامید هستند زیرا ایران تسلیم هدف اصلی آنها برای بازنویسی مفاد برجام نشده است. «توافق خوب» برای غرب، توافقی است که ایران را وادار می کند در ازای تضمین دائمی و کامل این کشور در قبال تعهداتش تحت توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، معافیت‌های جزئی و غیرقابل تضمین تحریم‌ها را بپذیرد. علاوه بر این، غرب می‌خواهد درخواست‌های غیر هسته‌ای را نیز به این توافق اضافه کند. این اساساً همان چیزی است که غرب همیشه از آن به عنوان «برد-برد» یا «توافق خوب» نام برده است

*** ایران بر حذف تمامی تحریم‌های هسته‌ای پافشاری می کند. به نظر شما آیا آمریکا این درخواست ایران را انجام خواهد داد؟ به عبارت دیگر، آیا شما اراده سیاسی واقعی را در آمریکا برای دستیابی به توافق می بینید؟**

نه، آمریکا این کار را نخواهد کرد. واشنگتن در این مورد بسیار صریح بوده است. من هیچ تمایل یا اراده سیاسی در آمریکا برای دستیابی به یک توافق پایدار و بلندمدت با ایران نمی بینم. با این حال، واشنگتن با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای خود و همچنین خریدن اندیشکده‌ها، خود را در تنش‌های فعلی میان ایران و آمریکا در نقش قربانی جلوه داده است.

*** ایران می گوید که متن برجام ۲۰۱۵ باید سنگ بنای مذاکرات وین باشد،**





تروئیکا؛ از اتاق مذاکره تا تحریریه «بی بی سی»



پنجشنبه گذشته، کمی مانده به برگزاری نیمه دوم از دور جدید مذاکرات وین، وبگاه آمریکایی «اکسیوس» با این تیتیر به استقبال این رویداد رفت: مذاکرات هسته‌ای ایران وارد مرحله «همین حالا یا هرگز» شد.

این خط دهی مغرضانه که با خود پیش فرض ناامیدی، تعجیل و تهدید داشت؛ حتی به مخاطب فرصت آن را نمی‌داد که منتظر پایان نشست کمیسیون مشترک برجام و خروجی آن بماند چراکه تنها گزینه پیشنهادی «شکست محتوم» بود که که از قبل برایش یک «مقصر بالقوه» پیدا کرده بودند: ایران!

به این ترتیب، برای رسانه‌هایی که قرار بود به مخاطب خود این خط خبری غلط‌انداز را القا کنند؛ گوش شنوایی باقی نمی‌ماند تا بلافاصله بعد از پایان کمیسیون مشترک برجام، پذیرای این جمله مثبت از «انریکه مورا» معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا باشد که می‌گفت: «شاهد تجدید اراده در همه طرفین مذاکره هستیم. تمامی طرف‌های مذاکره کننده تأیید کردند تا زمان حصول توافق به مذاکرات ادامه می‌دهند».

ظاهراً تعمد این رسانه‌ها به چشم پوشی از واقعیتی که در اتاق مذاکرات وین جریان دارد، تا حدی است که حتی اظهارنظرهای انجام شده از سوی وابسته‌های خودشان هم نادیده می‌گیرند مانند جمله‌ای که از قول یک مقام ارشد اروپایی نقل شد با این مضمون که «اکنون، مذاکرات در مسیر منطقی در حال پیشرفت است».

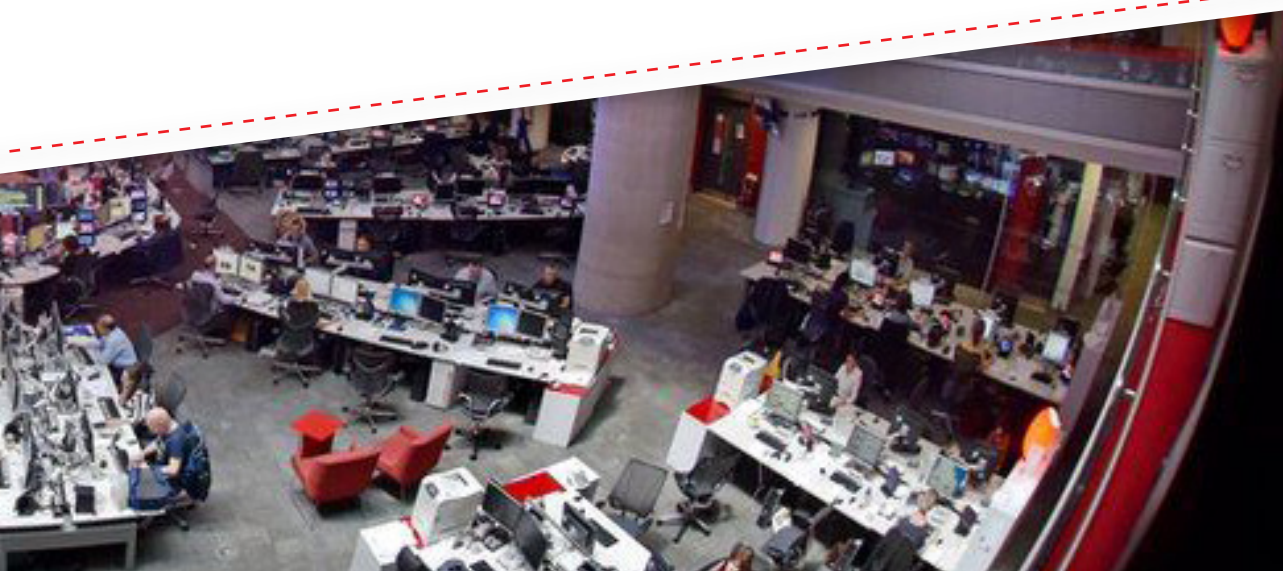
این مقدمه‌ای بود برای آنکه بگوییم تعجب «میخائیل اولیانوف» مذاکره کننده ارشد روسیه در گفتگوهای وین را درک می‌کنیم؛ وقتی که در تویتر می‌نویسد: عجله داشتیم و از حرف‌هایی که به خبرنگاران گفتیم «سوء تعبیر» شد. آگاه باشید که من موضع ایران را مثبت ارزیابی کردم و نه منفی. در توضیح این مثال، یادآوری می‌کنیم که اولیانوف در مصاحبه‌ای، گفته بود «مذاکرات وین

در مسیر درستی قرار گرفته و کسی وقت تلف نمی‌کند» اما وبگاه یک شبکه معلوم الحال، تیتیر زده بود «مذاکرات اخیر در وین فقط وقت‌کشی از سوی ایران بود» - عنوانی که جا دارد به نشانه ناباوری، دست کم یک خط «علامت تعجب» مقابلش بگذاریم!

البته، این حس وظیفه شناسی طرف روس برای بازگرداندن جریان خبری به مسیر درست و بی حاشیه جای قدرشناسی دارد اما تجربه ثابت کرده که حتی اگر وی با فراغ بال و خیلی شفاف هم با خبرنگارهای «ایران اینترنشنال» صحبت می‌کرد که حقوقشان را از میهمان‌های «آن طرف میز مذاکره می‌گیرند»، باز هم آنها همان چیزی را روایت می‌کردند که باب میل خودشان بود.

مثلاً فرقی نمی‌کرد که ایران بعد از وقفه هفته گذشته، بارها و بارها بگوید که «قصدها نداریم دستاوردهای ۶ دور گذشته را کاملاً نادیده بگیریم؛ بلکه از آن به عنوان مبنایی برای دمیدن روحی تازه به کالبد مذاکرات استفاده می‌کنیم و پیشنهادهایمان هم به طور کامل منطبق با مفاد برجام طراحی شده است».

می‌گوییم فرقی نمی‌کرد چرا که مثلاً همین بخش فارسی «بی بی سی»، یک روز بعد از آغاز نیمه دوم مذاکرات که هنوز هم در جریان است؛ این شایعه را که ایران به کل توافق‌های به دست آمده در شش دور قبلی را کنار گذاشته، تکرار کرد. شاید هم لازم باشد برای این بدفهمی عامدانه چاره‌ای بیندیشیم که ظاهراً ساده‌ترین راه حلش تأکید مؤکد به همان شیوه‌ای است که اولیانوف در پیش گرفته است؛ مثل این توثیت که در آن نوشت: «در کمال تعجب، برخی تحلیلگران و روزنامه‌نگاران اوضاع در مذاکرات وین را دراماتیک و «تقریباً بن‌بست» توصیف می‌کنند. در این مورد، این‌طور نیست. پس از وقفه‌ای، مذاکره کنندگان به کار دیپلماتیک عادی بازگشته و مذاکرات فشرده را ادامه دادند. فضا مثبت است».





یا این توثیق که بد نبود یک نسخه از آن را برای رسانه‌هایی مثل بی بی سی هم بفرستیم؛ شاید از حجم بدفهمی شان کاسته شود؛ «گفت‌وگوهای وین از پیش نویس‌های تهیه‌شده تا تاریخ ۲۰ ژوئن (زمان پایان ششمین دور مذاکرات) به پیش خواهد رفت، اما ایده‌های جدید ایران بایستی به نحو مناسب مورد رایزنی قرار گرفته و کاملاً مورد بررسی قرار بگیرند. این یک اصل در دیپلماسی چندجانبه است.»

جای سوال است که چرا بین آنچه در اتاق مذاکره می‌گذرد با آنچه که به تحریریه «بی بی سی» و «ایران اینترنشنال» می‌رسد؛ این همه تفاوت وجود دارد. البته، تعجب نمی‌کنیم اگر بگویند قبل از فشردن دکمه انتشار، خبرهایشان از زیر دست یکی مثل «آنالنا باتربوک» وزیر خارجه جدید آلمان گذشته که با نشنیده گرفتن اظهار امیدواری «انریکه مورا» یا همان «مقام اروپایی مطلع»، مدعی شد: «هیچ پیشرفتی نداشته‌ایم. ایران مذاکرات را شش ماه به عقب برگردانده است.»

اما سوال اساسی تر آن است که اصولاً، تروئیکای اروپایی آن طرف میز که این روزها در قالب رفیق دزد (آمریکا)، شریک قافله مذاکرات وین شده، دنبال چیست؟

حکایت تهدید و دانه پاشیدن

جای تعجب است که چرا این اروپایی‌ها که این قدر خود را برای گفتگوهای وین مشتاق و جدی نشان می‌دهند؛ چرا بعد از وقفه پنج ماه و ۹ روزه قبلی، دست خالی به میز مذاکره برگشتند؟

این نکته‌ای بود که «حسین امیرعبداللهیان» وزیر خارجه ایران هم در صحبت‌های قبلی با «جورف بول» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به آن اشاره کرد و گفت: «تاکنون ما هیچ پیشنهاد سازنده و روبه جلویی را از طرف مقابل دریافت نکرده‌ایم و این در تعارض با اعلام حضور جدی آنها در مذاکرات است.»

اما، وقتی رفتارشان را در حدفاصل وقفه یک هفته‌ای مابین ۸ آذر تا ۱۸ آذر و حتی همین الان که نیمه دوم دور جدید در جریان است؛ مرور می‌کنیم؛ به یک «تکرار هدفمند» می‌رسیم که از این قرار است:

تهدید قبل از ورود به کمیسیون برجام مبنی بر اینکه این آخرین شانس ایران است.

جمله «پیشرفت‌هایی داشتیم» که بلافاصله بعد از خروج از اتاق مذاکره می‌گویند. موج رسانه‌ای که با طرح یک شایعه درباره مواضع ایران آغاز می‌شود. سکوت کش دار تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) در تأیید همان شایعه که معلوم نیست چه کسی به تحریریه رسانه‌های آن طرف ارسال کرده است.

اولین اظهار نظر رسمی از طرف یکی از وزرای خارجه تروئیکا که با خوش بینی ساعات اولیه بعد از خروج از کمیسیون برجام خیلی تفاوت دارد و آغازگر موج جدیدی از تهدیدها است. در لایحی این رفتار تکراری، تروئیکای اروپایی این سناریو را دنبال می‌کند که آمریکا را مشتاق از سرگیری تعهداتش جلوه دهد که این خط خبری از سوی رسانه‌هایی مثل «نیویورک تایمز» دنبال می‌شود که در آن سعی می‌کند دعوای صوری واشنگتن-تل آویو، شاهدهی بر ادعای علاقه ایالات متحده به ادامه دیپلماسی با ایران تلقی کند.

همزمان، آنها می‌کوشند ایران را زیاده خواه جلوه دهند و ادعا می‌کنند که تهران قصد دارد زیر میز مذاکره بزند که گزارش‌های بی بی سی و ایران اینترنشنال این خط را دنبال می‌کند. در عین حال، تروئیکا و آمریکا در راستای پیشبرد بازی مقصرنمایی ایران، ژست واحدی گرفته‌اند که ادعاهای «لیز تراس» وزیر خارجه انگلیس مبنی بر اینکه هر کاری می‌کنیم تا ایران به تسلیحات هسته‌ای دست نیابد؛ در این راستا تعبیر می‌شود.

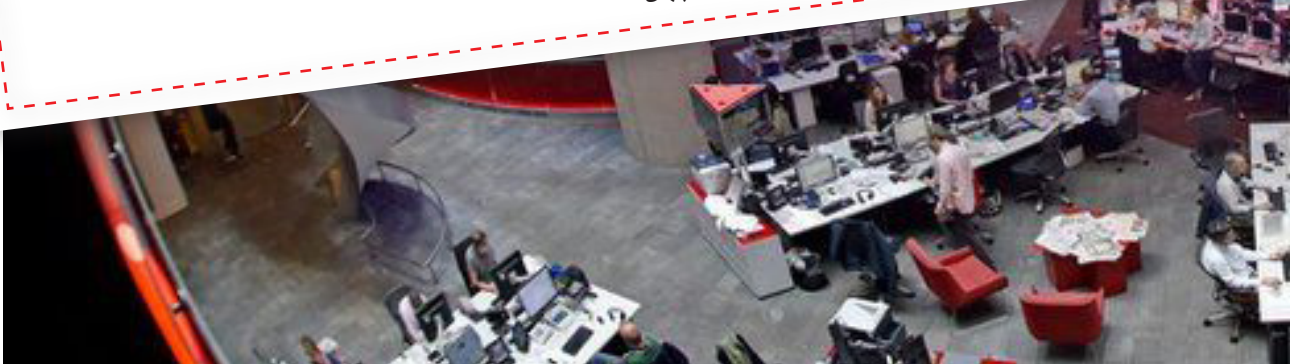
از سوی دیگر، رسانه‌هایی مثل «سی ان ان» به دنبال جدی نشان دادن این ژست اتحاد هستند که نمونه آن گزارشی درباره گفتگوهای آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره انجام رزمایش علیه ایران است.

در سوی دیگر قضیه، «رابرت مالی» نماینده ویژه آمریکا در امور ایران تهدید می‌کند که «شکست مذاکرات وین، فشارهای شدید اقتصادی و دیپلماتیک برای ایران به همراه دارد» و همزمان، روزنامه‌ای مثل «الشرق الاوسط» این خط را دنبال می‌کند که اگر ایران موضعی واقع گرایانه نگیرد، او که برای مذاکرت گروه ۷ به «لیورپول» انگلیس رفته، دیگر به وین باز نمی‌گردد که این قضیه خودش جای سوال دارد چراکه ایران با ۱+۴ مذاکره می‌کند و اساساً با هیئت آمریکایی صحبتی ندارد که حضورش در وین حائز اهمیت باشد.

در واقع، تروئیکای اروپایی و آمریکا که رابرت مالی نمایندگی اش را به عهده دارد؛ به دنبال آن هستند که با نادیده گرفتن پیشرفت‌هایی که در اتاق مذاکره حاصل می‌شود؛ ذهن جامعه ایرانی را با اهرم فشار و تهدید آشفته کنند که یکی از نتایج آن، ایجاد نوسانات اقتصادی تعمدی با هدف ضعیف کردن موضع دولت جدید ایران و واداشتن آن به اعطای امتیازات بیشتر در میز مذاکره است.

اما همه اینها نباید مانع از دیدن انحراف ظریف و ناگهانی شود که در میانه این همه تهدید، در جهت گیری رسانه‌های آن طرف ظاهر می‌شود مثل اذعان خبرنگار بی بی سی به اینکه به رغم رجزخوانی‌های وزارت دفاع آمریکا و کاخ سفید، رابرت مالی مستقیماً به گزینه نظامی علیه ایران اشاره‌ای نمی‌کند. یا گزارش «نیویورک تایمز» که می‌نویسد در محتوای جلسه «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی آمریکا مبنی بر بررسی گزینه‌های نظامی، عامدانه و فقط برای کاهش نگرانی‌های اسرائیل بوده است.

خوب که نگاه کنیم، همه ماجرا درست مثل آن می‌ماند که آمریکا به کاستی‌های خود در برخورد با ایران اشراف داشته باشد اما به طمع اینکه امتیازات بیشتری بگیرد؛ به تهدید رو بیاورد و همزمان، گوشه ذهنش این نگرانی را هم داشته باشد که مبادا تهدیدهایم نتیجه معکوس بدهند و دستم از آنچه هست خالی‌تر بماند؛ پس بهتر است چیزی بگویم که اثر آن تهدید را کم کند. این «بلاتکلیفی» که با رجزخوانی و در عین حال دانه پاشیدن همراه است؛ در خط خبری رسانه‌های آن طرف موج می‌زند و موضوعی نیست که از چشم ایران پنهان مانده باشد.





مهمت پرینچک استاد دانشگاه مسکو:

آمریکا اراده سیاسی جدی برای دستیابی به توافق ندارد



رویا فریدونی: دور جدید مذاکرات وین به منظور برچیدن تحریم‌ها پس از یک وقفه پنج ماهه در روز دوشنبه ۲۹ نوامبر (۸ آذر) آغاز شد. شرکت کنندگان در مذاکرات ایران و گروه ۴+۱ (فرانسه، انگلیس، روسیه، چین و آلمان) در جلسات و نشست‌هایی در سطوح مختلف در دو حوزه برچیدن تحریم‌ها و موضوعات هسته‌ای به بحث و بررسی در مورد متون پرداختند.

به دنبال این نشست‌ها کارگروه برچیدن تحریم‌ها و بعد از آن هم کارگروه هسته‌ای در سطح کارشناسان تشکیل جلسه داد و در نهایت هیأت مذاکره کننده ایرانی به ریاست علی باقری دو ساند به طرف مقابل ارائه کرد که شامل برچیدن تحریم‌ها و موضوعات هسته‌ای بود. این مذاکرات فشرده بعد از پنج روز با توافق طرفین به منظور مشورت هیئت‌های مذاکره کننده با مقامات عالی‌رتبه در کشور خود به طور موقت متوقف شد.

نمایندگان ایران و گروه ۴+۱ (انگلیس، فرانسه، روسیه و چین و آلمان) پس از این وقفه کوتاه چند روزه، روز پنجشنبه ۹ دسامبر مذاکرات را از سر گرفتند. ایران با دست پر در مذاکرات حاضر شده و هدفش رسیدن به یک توافق خوب است. تهران بر رفع کامل و موثر تحریم‌های ظالمانه که سالهاست علیه کشور و ملت ایران اعمال شده اصرار دارد و بارها اعلام کرده است برای رسیدن به توافق خوب جدی است. پیشنهادهای ارائه شده از سوی ایران جدیت کشور در خصوص مذاکره و توافق را نشان می‌دهد. خبرنگار مهر در خصوص این موضوع گفتگویی با «مهمت پرینچک» استاد دانشگاه مسکو انجام داده است که در زیر می‌خوانید:

*** در حالی که ایران بارها عنوان کرده که برای یک توافق خوب آماده است، غربی‌ها ایران را به دلیل جدی نبودن برای دستیابی به توافق سرزنش می‌کنند. نظر شما در این رابطه چیست و به نظر شما یک «توافق خوب» از دیدگاه آمریکا و متحدانش، چگونه توافقی می‌تواند باشد؟**

آمریکا در تلاش است از جهان تک قطبی که پس از دهه ۱۹۹۰ پدیدار شده محافظت کرده و نقش خود را به عنوان ژاندارم در این جهان تک قطبی حفظ کند. واشنگتن نمی‌خواهد کشورهای در حال توسعه منطقه برای حفظ هژمونی خود در منطقه و جهان مسیر مستقلی را برای خود ترسیم کنند. به ویژه تلاش می‌کند آنها را در حوزه انرژی و صنعت دفاعی به خود وابسته کرده یا تضعیف کند. سیاست‌های آمریکا در قبال ایران و ترکیه را مثال می‌زنم. ایران و ترکیه مانع مهمی سر راه برنامه‌های آمریکا در منطقه هستند زیرا از گذشته ارتباط عمیقی بین این دو کشور حاکم بوده است و دارای پتانسیل اقتصادی و قدرت نظامی هستند. بنابراین، آمریکا برای موفقیت در برنامه‌های خود در منطقه، در صدد تجزیه ایران و

ترکیه است و تلاش می‌کند این دو کشور را از نظر اقتصادی در کشورهایی که نتوانسته با جنگ آن‌ها را در دست بگیرد، فرو بیاورد. آمریکا و متحدانش در واقع خواهان تسلیم شدن ایران و ترکیه هستند، نه به دنبال یک توافق خوب.

*** ایران بر رفع تمام تحریم‌های توافق شده در برجام پافشاری می‌کند. به نظر شما آیا آمریکا این درخواست ایران را انجام خواهد داد؟ به عبارت دیگر، آیا شما اراده سیاسی واقعی را در آمریکا برای دستیابی به توافق می‌بینید؟**

آمریکا تنها از موشک‌ها و بمب‌های خود به عنوان سلاح استفاده نمی‌کند. یکی از بزرگترین سلاح‌های آمریکا تحریم‌های اقتصادی یکجانبه است. واشنگتن از طریق تحریم‌های اقتصادی به دنبال مجازات کشورهایی است که از دستورات آمریکا پیروی نمی‌کنند. این تحریم‌ها جنبه جدی غیر انسانی دارد. میلیون‌ها انسان به دلیل این تحریم‌ها قادر به تامین نیازهای اولیه خود نیستند. بنابراین این یکی از ظالمانه ترین جنبه‌های سیاست‌های تحریمی است اما باید توجه داشت که نه تنها مردم و دولت‌های آن کشورها بلکه تمام دنیا از تحریم‌های آمریکا رنج می‌برند زیرا کشورهای دیگری هم هستند که با کشورهایی تجارت می‌کنند که آمریکا به دنبال نابودی آنها است. به عبارت دیگر، تنها ایران نیست که از تحریم‌های آمریکا آسیب می‌بیند. تحریم‌های آمریکا علیه ایران اعمال می‌شود اما از سوی دیگر ترکیه و تولید کنندگان ترکیه‌ای نیز از این تحریم‌ها متضرر می‌شوند. علاوه بر این ترکیه از فرصت خرید انرژی ارزان از ایران محروم می‌شود.



منطقه باید با ایجاد بازارهای مشترک اقتصاد منطقه را احیا کنند.

علاوه بر این، گشایش مسیرهای حمل و نقل و انرژی که تجارت منطقه‌ای را بهبود می بخشد از اهمیت بالایی برخوردار است. باید در مورد سیستم بانکی گام‌هایی برداشته شود و سیستم‌های جدیدی توسعه یابد تا تمامی مکانیسم‌های کنترلی آمریکا از بین برود. لازم است کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر صلح و امنیت انرژی منطقه‌ای را برقرار کنند. درگیری کشورهای منطقه یا جنگ‌های داخلی در کشورهای بیشتری آسیب را به اقتصاد منطقه وارد می کند. در این راستا ترکیه، روسیه، ایران، چین، سوریه، آذربایجان، پاکستان، افغانستان و کشورهای منطقه باید با هم در برابر تحریکات آمریکا وارد عمل شوند. کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر می‌توانند مشکلات اقتصادی خود را حل کنند و تحریم‌های آمریکا را خنثی کنند.

می‌توان گفت در واقع اروپا نیز از تحریم‌ها علیه ایران آسیب دیده است. به دنبال خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران، شرکت هواپیمایی اروپایی ایرباس در ۱۲ می ۲۰۱۸ قرارداد‌های خود با ایران را لغو کرد. پس از لغو قرارداد فروش ۱۱۸ هواپیمای غیر نظامی به ایران تنها دو فروند از آنها به ایران تحویل داده شد یا شرکت فرانسوی توتال مجبور به لغو معاملات خود با ایران شد. بنابراین تحریم‌ها فقط علیه ایران نیست بلکه همزمان اروپا، ترکیه و منطقه اوراسیا را هدف گرفته است.

زیرا وقتی تجارت با ایران را ممنوع می‌کنیم، وقتی شرکت‌های دیگر کشورها را تحریم می‌کنیم، آنها نمی‌توانند با ایران تجارت کنند و در نهایت متحمل ضررهای جدی می‌شوند. تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه نیز همینطور است. آلمان یکی از کشورهایی است که بیشترین آسیب را از تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه روسیه متحمل شده است. بنابراین، تحریم‌های یکجانبه کاملاً غیرقابل قبول هستند و باید فوراً لغو شوند. نه ترامپ و نه دولت بایدن تصویر مثبتی در این موضوع از خود ارائه نکرده‌اند. آنها نشان داده‌اند که اراده سیاسی جدی برای دستیابی به توافق را ندارند.

*** ایران تاکید دارد که برجام ۲۰۱۵ باید مبنای مذاکرات باشد اما طرف مقابل تمایل دارد مطالبات جدید آنها در قالب آنچه پیش از این «برجام پلاس» خوانده می‌شود، در مذاکرات مطرح شود. شما این مطالبات بیش از حد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

پس از خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران در دوره ترامپ، ایران غنی سازی اورانیوم خود را به ۱۶ برابر میزان مجاز افزایش داد. از سوی دیگر، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و توافق ۲۵ ساله با چین نیز نشان از قدرت ایران دارد.

علاوه بر این، دولت جدید ایران نسبت به دوره قبل بسیار قاطع‌تر است و رئیسی رئیس جمهور ایران نشان داده است که حاضر به دادن هیچ امتیازی نیست. با همه اینها، امضای یک توافق جدید برای ایران غیر قابل قبول است. ترامپ نیز بر توافق جدید تاکید کرده بود اما به نظر نمی‌رسد ایران بخواهد از خطوط قرمز خود عقب‌نشینی کند. بنابراین، این مطالبات بیش از حدی که از سوی آمریکا مطرح می‌شود بیشتر از اینکه به قصد سازش و توافق باشد برای تحمیل شرایط خود است. اگر توافقی صورت نگیرد، ایران قوی‌تر می‌شود زیرا دنیای جدیدی در حال شکل‌گیری است و ایران در حال توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در جهان جدید است. آمریکا اکنون یک قدرت رو به زوال است. با شکل‌گیری جهان چند قطبی، مرکز اقتصاد نیز از اقیانوس اطلس در حال لغزیدن به سمت اوراسیا و پاسیفیک است که حتی اقتصاددانان غربی نیز آن را قبول دارند. حاکمیت آمریکا از نظر قدرت نظامی نیز رو به افول است. وقایع اخیر در افغانستان به وضوح نشان دهنده این امر است.

علاوه بر این، در داخل آمریکا مسائل و مشکلات جدی وجود دارد. حمله به کاپیتول (کنگره) درگیری‌های داخلی در آمریکا را آشکار کرده است. نه تنها جهان چند قطبی شده، بلکه خود آمریکا نیز چند قطبی شده است.

البته لازم است کشورهای منطقه نیز اقداماتی انجام دهند. قبل از

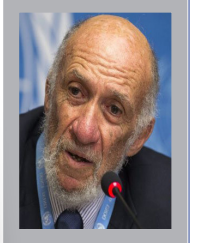
هر چیز باید به سلطه دلار پایان داد؛ کشورهای منطقه وقتی با دلار معامله می‌کنند منابع را به آمریکا انتقال می‌دهند. حاکمیت دلار به آمریکا این فرصت را می‌دهد که در اقتصاد ایران، ترکیه یا سایر کشورها مداخله کند. به همین دلیل کشورهای اوراسیا باید با پول ملی تجارت کرده و دلار را از دسترس خارج کنند. از سوی دیگر تحریم‌های آمریکا که تبدیل به جنایت علیه بشریت شده است نباید اعمال شود. کشورهای





ریچارد فالک متخصص حقوق بین الملل:

تهدید یا استفاده از زور به عنوان یک تاکتیک دیپلماسی غیرقانونی است



چنین کاری انجام خواهد داد؟ در واقع، اراده سیاسی واقعی در طرف آمریکایی برای حصول یک توافق می بینید؟

معتقدم که آمریکا به دنبال ثبات در خاورمیانه است. سوال این است که آیا واشنگتن آمادگی دارد تا بهای دیپلماتیک و سیاسی داخل این کشور را درباره افزایش اصطکاک با اسرائیل بپردازد یا خیر و این مسئله به دلیل مشکلات بیشتر با متحدان اسرائیل در کنگره تشدید شده است که ادعای تضعیف «روابط ویژه» ای را دارند که ایالات متحده مدتهاست با اسرائیل حفظ کرده و دولت بایدن نیز مجدداً آن را تأیید کرده است. این مسئله بیش از آنکه نشانه فقدان اراده سیاسی برای دستیابی به توافق باشد؛ حاکی از نیاز آشکاری است که آمریکا برای ایجاد توازن بین مزایای حاصل از این توافق در برابر واکنش به شدت منفی جمهوریخواهان طرفدار ترامپ، حس می کند. پس از خروج دردرس ساز نیروهای آمریکایی از افغانستان، بایدن نسبت به ادعای جناح راست ایالات متحده مبنی بر اینکه وی تصویری از ضعف آمریکا و افول جهانی اش ارائه می دهد، نیز حساس شده است.

ایران بارها تأکید کرده است که هدف اصلی این دور از مذاکرات برچیدن تحریمها علیه ایران و بازگشت فعالیت های اقتصادی و تجاری ایران به روال عادی است. این درخواست ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

امیر محمد اسماعیلی، محمدرضا الکاظمی، پروفیسور «ریچارد فالک» در گفتگو با مهر درباره مذاکرات وین، اظهار داشت که اراده واقعی آمریکا در بازگشت به تعهدات برجامی اثنی بستگی به این دارد که بخواهد هزینه سیاسی مربوطه را پرداخت کند یا خیر...

ایران مواضع سازنده ای در قبال موضوع هسته ای خود اتخاذ کرده و هیئتی را برای شرکت در دور جدید مذاکرات با هدف برچیدن تحریمها به وین اعزام کرده است. با این حال، آمریکا و کشورهای غربی همچنان از ایران به دلیل عدم جدیت کافی در مذاکرات انتقاد می کنند. نظر شما در این رابطه چیست؟

ارزیابی اظهارات عمومی هر دو طرف با اشاره به مذاکرات وین دشوار است. به نظر می رسد این یک ارتباط پیش از مذاکره با پلتفرم های رسانه ای و افکار عمومی است و همچنین در مورد ایالات متحده راهی برای کاهش انتقادات اسرائیل برای هرگونه مذاکره با ایران است که ممکن است به بازگرداندن توافق هسته ای ۲۰۱۵ (برجام)، پایان تحریمها یا بهبود روابط بین دو کشور منجر شود. ما نمی دانیم که انگیزه آمریکا و ایران برای دستیابی به یک نتیجه توافق شده چقدر است. با مطرح شدن پیش شرطهای مربوط به توافق در مذاکرات، میزان انعطاف پذیری مذاکره و خطوط قرمز آشکارتر خواهند شد.

با اذعان به این ابهام، معتقدم بار اصلی بر دوش آمریکا است تا صداقت و اعتبار خود را نشان دهد. در سال ۲۰۱۸، ایالات متحده به طور رسمی و یکجانبه از این توافق خارج شد. ترامپ به محض انتخاب شدن در سال ۲۰۱۶، این توافق را رد کرد و متعاقباً مجوز عملیات های مخفیانه غیرقانونی مختلف را در نقض حقوق حاکمیت ایران و همچنین حمایت از تهدیدات و استفاده از زور اسرائیل علیه ایران، صادر کرد. از این نظر، بسیار حیاتی است که ایالات متحده حسن نیت خود را نشان دهد، از جمله تمایل به ارائه نوعی ضمانت در برابر خروج دوم از برجام که ممکن است با اعمال مجدد تحریمها در صورت بازگشت حزب جمهوری خواه به قدرت در سال ۲۰۲۵ همراه شود. تعهد آمریکا به مخالفت با هرگونه اقدام خصمانه آینده اسرائیل علیه ایران قابل استقبال خواهد بود.

ایران اصرار بر برچیدن تمام تحریمهای مرتبط هسته ای دارد. آیا آمریکا



بین خواهند برد. موضع آمریکا و تأثیر آن بر روند مذاکرات را چگونه ارزیابی می کنید؟ رقابت‌های داخلی ایالات متحده چگونه ممکن است شانس دستیابی به یک توافق هسته‌ای خوب را از بین ببرد؟

گمان می‌کنم که خطر ایجاد مانع در آینده برای این توافق، در داخل ایالات متحده بسیار زیاد است. چشم انداز موفقیت انتخاباتی جمهوری خواهان در انتخابات ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ را نمی‌توان نادیده گرفت. چنین نتیجه‌ای بدون شک فشارها را برای بازگرداندن رویکرد ترامپ به ایران و یک رویکرد کلی به سیاست خاورمیانه که بیشتر همراستا با ترجیحات اسرائیل است، افزایش می‌دهد. شاید به این دلیل باشد که بایستن به مسائل داخلی، از جمله کووید ۱۹، بودجه عمومی زیرساخت‌ها (جاده‌ها، پل‌ها، فرودگاه‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر) و بهبود روابط نژادی اولویت می‌دهد و اینکه ایالات متحده همچنان به رویکرد سرسختانه خود در رابطه با مذاکرات وین در مورد مسائل هسته‌ای و همچنین در رابطه کلی اش با ایران پایبند است. در عین حال، به نظر می‌رسد که دولت ایالات متحده در صورت شکست مذاکرات، درگیر مدیریت بحران خواهد شد و ممکن است بر این باور باشد که در صورت حفظ وضعیت موجود با ایران، اهرم فشار بیشتری برای مهار اسرائیل خواهد داشت، به این معنی که توافق جدیدی وجود ندارد و تحریم‌ها هم برچیده نمی‌شود. گمان می‌کنم که این مسئله‌ای خطرناک خواهد بود و منجر به بدتر شدن اوضاع در خاورمیانه می‌شود که می‌تواند موجب بروز جنگ علنی شود.

گمان می‌کنم اصالت و توجیه این مطالبه از سوی ایران صادقانه و شایسته احترام است و طبق قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد الزامی شده است. مسلماً، ایران هیچ اشتباهی انجام نداده است که مستلزم اقدامات تنبیهی یا قلداری و تهدیدی باشد که در رویکرد «فشار حداکثری» به ریاست جمهوری ترامپ تعبیه شده است. تهدید یا استفاده از زور به عنوان یک تاکتیک دیپلماسی غیرقانونی است و ایران دائماً توسط چنین تاکتیک‌ها و اعمال تحریم‌هایی که مانع از سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی توسط کشورهای ثالث شده، مورد تهدید و هدف آسیب‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی قرار گرفته است.

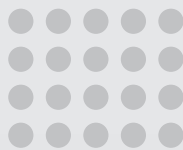
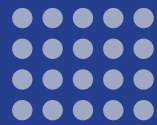
ایران می‌گوید متن برجام ۲۰۱۵ باید سنگ بنای مذاکرات وین باشد اما طرف مقابل در واقع دنبال برجام جدید ۲۰۲۱ است. این مطالبات بیش از حد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از نظر ظاهری، این خواسته‌های ایالات متحده با توجه به اینکه اقدام یکجانبه و بی دلیل این کشور بود که به شکست ترتیبات توافق شده در چارچوب برجام ۲۰۱۵ انجامید، غیر منطقی است. از نظر سیاسی نباید از ایران انتظار داشت که شرایط و اجبار و قیود تازه‌ای را بپذیرد که محدودیت‌های جدیدی را بر آزادی عمل اش در نسخه جدید ۲۰۲۱ یا ۲۰۲۲ توافق قبلی اعمال می‌کند.

توجیه آنها برای ارائه شروط جدید، با استناد به پیشرفت‌های فن‌آوری ایران، افزایش توانمندی‌های غنی‌سازی و این ادعا مطرح می‌شود که ایران با برخورداری از دانش لازم، فاصله خود را تا دستیابی به سلاح هسته‌ای کوتاه‌تر کرده است. این در حالی است که مدیر سیا (CIA) اخیراً اذعان کرد که هیچ مدرکی دال بر اینکه ایران به دنبال توانایی (ساخت) سلاح هسته‌ای است، وجود ندارد. با این حال، به انقضای توافق ۲۰۱۵ که موعده آن (طبق بند غروب آفتاب) سال ۲۰۳۰ است چیزی نمانده و همین مسئله موجب می‌شود که به ویژه از سوی اسرائیل و طرفداران افراطی منع اشاعه، به آمریکا فشار بیاید تا اصرار کند که موعده انقضای برجام به ۲۵ سال آن هم از زمان امضای توافق جدید، افزایش یابد.

دولت بایدن می‌گوید تضمین نمی‌کند که ایالات متحده از توافق احتمالی آینده مانند آنچه ترامپ انجام داد، خارج نشود و حتی برخی در واشنگتن تهدید می‌کنند که هر توافقی را که بایستن ممکن است به دست آورد را از

مجله بین الملل مهر



 mehrnewsar
MehrnewsEn

 mehrnewsarabic
MehrnewsCom

 ar.mehrnews